

نبرد زن

نشریه

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

حوت ۱۳۹۱ (March 2013)

شماره (۱۷)

دور اول

فصلنامه زنان

"خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها کنیم!"

یکی از بهانه های فریب کارانه امپریالیست های امریکائی وانگلیسی برای تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور، از بین بردن شئوونیزم غلیظ مرد سالارانه امارت اسلامی طالبان و تامین حقوق زنان بود... علاوه تا ادعای مذکور به خاطری یک بهانه فریبکارانه بود که آنها به جای امارت اسلامی طالبان، رژیم دست نشانده ای را روی کار آوردند که نیروها و شخصیت های مرد سالار شونیزم، بخش اعظم ترکیب آنرا تشکیل داده اند. بیش این نیروها و شخصیت های ارتجاعی و اساس سیاست های شان، صرف نظر از تفاوت های جزئی، در واقع همان بینش و سیاست های طالبان است. به همین جهت با اشغال افغانستان توسط امپریالیست های امریکائی و متحدین شان و روی کار آمدن رژیم دست نشانده آنها، مسئله زنان به مثابه گروگانی در دست اشغالگران و رژیم پوشالی برای توجیه اشغال کشور و خیانت ملی مورد استفاده قرار گرفت، بدون اینکه کدام تفاوت اساسی در وضعیت توده های وسیع زنان بوجود آمده باشد.

البته هویدا است که یک قشر کوچک زنان خیانت پیشه، توسط اشغالگران و رژیم پوشالی پرورنده شده و بصورت نمایشی بروی صحنه آورده شده است تا زن ستیزی بنیادگرایان حاکم در رژیم دست نشانده را بیوشاند و سندی گردد برای ثبوت ادعاهای فریبکارانه تامین حقوق زنان. افراد شامل در این قشر کوچک پرورنده شده توسط اشغالگران و رژیم دست نشانده، نه تنها به وزارت و کالت رسانده شده اند، بلکه به مثابه سرمایه داران دلال تازه به دوران رسیده به بازار راه یافتند.

اما در مقابل این قشر کوچک دست پرورده، توده های وسیع زنان قرار دارند که وضع شان بادوره امارت اسلامی طالبان کدام فرق اساسی نکرده است... جنبش زنان یک جنبش مبارزاتی حق طلبانه و عادلانه ضد شئوونیزم و ضد ستم است و نباید اجازه داد به مثابه گروگانی توسط اشغالگران و خائنین ملی مورد سوی استفاده قرار گیرد... اکیدا باید خاطر نشان سازیم که این جنبش مبارزاتی ولواینکه نهایتا در تابعیت از وظیفه مبارزاتی عمده یعنی مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و خائنین ملی، پیش برده شود، اما در هر حال یکی از مبارزات مهم در سطح کل جامعه بوده و هرگز نباید به فراموشی سپرده شود و هرگز نباید به عنوان یک وظیفه مبارزاتی حاشیه یی در نظر گرفته شود.

صفحه

فهرست مطالب مندرج در این شماره :

هشتم مارچ، امسال توسط اعضا و هواداران دسته هشت مارچ زنان افغانستان در سه منطقه از ولایات مختلف کشور بصورت نیمه علنی تجلیل گردید. گزارشات مراسم تجلیلیه هر منطقه، توسط فعالین دسته هشت مارچ ارسال گردیده است که هر سه بخش گزارشات درین شماره از نبرد زن درج گردید. برای اینکه وضاحت بهتری در متن نوشتاری به عمل آمده باشد، شماره (۱۷) نبرد زن به سه بخش و هر بخش گزارشات جداگانه محافل، بیانات مجری برنامه، مقالات، اشعار و سروده های هر یک از مناطق متذکره را در بر خواهد داشت.

۲

➤ دعوتنامه مراسم تجلیل از هشت مارچ

عناوین بخش اول محفل:

۳

➤ گزارش بخش اول محفل تجلیلیه هشتم مارچ

۳

➤ افتتاحیه

۴

➤ وصیت (دکلمه)

۶

➤ زنان در ارگانه های دولتی نیز مصئون نیستند

۸

➤ خواهر (دکلمه)

۹

➤ سرود اول

۱۱

➤ د بنخو زنجیری قتلونه او د هغو لاملونه

۱۳

➤ د پنخی ژړا

۱۵

➤ اشغالگران امپریالیست حامی ستم جنسی اند

۱۶

➤ د دویمه ترانه

۱۷

➤ آزادی زنان افغان، شعار غرب برای رسیدن به اهدافش

۲۰

➤ مسافران راه علم (دکلمه)

۲۴

➤ حماسه شعله (دکلمه)

۲۶

➤ متن سخنرانی خانم خارا

۲۸

➤ سرود سوم

۲۹

➤ قطعنامه دسته هشت مارچ زنان افغانستان

۳۱

➤ نگاهی به تجلیل از روز جهانی زن (اخگر)

دعوتنامه

بمناسبت صد و دومین سالگرد روز جهانی زن

روز جهانی زن ۱۰۲ ساله شد ، امسال میخواهیم در کنار شما و دست در دست شما ، هم گام ، هم راه و هم صدا شویم!
 میخواهیم در صد و دومین سالگرد روز زن ، رویاهای هزاران ساله زنان برای آزادی و برابری را با شما فریاد کنیم!
 میخواهیم فریاد کنیم که مبارزات زنان نشانه اتحاد و همبستگی و ادامه مبارزه آنان علیه هرگونه تبعیض و اشکال ستم بر زن است!
 هشت مارچ به حضور همه زنان احتیاج دارد!

برای حضور و نقش تان ارزش قائل شویدا!

برای این روز تدارک بینیدا!

دوستانتان را با خود همراه کنید!

با فعالین زنان در تماس شویدا!

گسترده و انبوه بیاییدا! و در دل دشمنان هراس افکنیدا!

از شما هموطن عزیز که با چنین محافلی علاقه مندی نشان میدهید دعوت به عمل می آید درین محفل ،
 که محفل هر هموطن آزادیخواه میباشد ، شرکت نموده و با اشتراک خود این محفل را رونق بیشتر ببخشید.

زمان برگزاری محافل:

(بخش اول)

پنجشنبه: ۱۷ حوت ۱۳۹۱ (۷ مارچ ۲۰۱۳)

از ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر تا ۵:۰۰ بعد از ظهر

محل برگزاری محفل:

(بخش دوم)

جمعه ، ۱۸ حوت ۱۳۹۱ (۸ مارچ ۲۰۱۳)

از ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر تا ۴:۳۰ بعد از ظهر

محل برگزاری محفل:

(بخش سوم)

شنبه ، ۱۹ حوت ۱۳۹۱ (۹ مارچ ۲۰۱۳)

از ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر تا ۴:۳۰ بعد از ظهر

محل برگزاری محفل:

”دسته هشت مارچ زنان افغانستان“

(بخش اول)

گزارش مراسم تجلیل از هشتم مارچ روز جهانی زن در شهر.....

زنان انقلابی با تحلیل های مشخص و همه جانبه اظهار داشتند که آزادی زنان تحفه ای نیست که از طرف اشغالگران و رژیم پوشالی به آنها اهدا گردد، بلکه از طریق مبارزات جدی و پیگیر زنان میتواند بدست آید. دسته هشت مارچ زنان افغانستان از تمامی زنان خواستند که برای بدست آوردن احقاق حقوق خویش باید متحد شده و علیه اشغالگران و رژیم پوشالی به مبارزه برخیزند

دسته هشت مارچ زنان افغانستان تعهد سپرد که مبارزات خویش را تا زمان بیرون راندن اشغالگران سرنگونی رژیم دست نشانده ادامه داده و تا آنجایی پیش روند که دیگر نشانی از ستم باقی نماند. آنها در اخیر محفل قطعنامه خویش را با خواست های فوری و عاجل دموکراتیک شان به سمع حاضرین محفل رساندند

در شرایطی که اشغالگران امپریالست و رژیم دست نشانده، با برنامه های اغوا کننده خویش چه مستقیماً از طریق برنامه های فریبنده ای که از طرف رژیم پوشالی برای اغفال زنان روی دست گرفته شده و چه بطور غیر مستقیم از طریق انجوها پیاده میگردد، دسته هشت مارچ زنان افغانستان روز جهانی زن را با شوروشوق انقلابی که مشتمل بر سخنرانی ها، مقالات، دکلمه ها و سرودهای انقلابی بود تجلیل نمودند

در تجلیل این روز با شکوه در حدود ۲۰۰ نفر اعم از زنان و مردان شرکت کرده بودند. این محفل مدت ۳ ساعت بطول انجامید. در این مدت زنان مبارز و انقلابی چهره پلید اشغالگران و رژیم دست نشانده را افشا نمودند. جنایات بیش از حدی که در مدت بیش از یازده سال از طرف اشغالگران و رژیم پوشالی و قلدرومنشان این رژیم بر زنان اعمال گردیده بود، بطور همه جانبه و مستند افشا نمودند. همچنان نمایشات رزمی زنان نیز به عمل آمد.

افتتاحیه محفل هشتم مارچ روز جهانی زن

خانم ها و آقایان

امریکا را لاله گون ساخته بدست آمده است. آزادی هیچگاه به شکل تحفه و با التماس بدست نمی آید بلکه از طریق مبارزات جدی و اتحاد کل زحمتکشان به رهبری انقلابیون میتواند حاصل شود.

شرکت شما عزیزان در این محفل مایه خوشحالی ماست، زیرا بدون حضور گسترده زنان انقلابی در صحنه مبارزه هیچ انقلابی به پیروزی نمیرسد. محفل امروزی ما از طرف دسته هشت مارچ زنان افغانستان با جمعی از دوستانیکه همیشه با ما همکاری داشتند تدارک دیده شده است که مشتمل بر سخنرانی ها، مقالات، دکلمه ها و سرود های انقلابی است که به سمع شما عزیزان می رسد.

امیدوارم که تا ختم محفل ما را همراهی نمایید

قبل از همه تشریف آوری شما عزیزان را در محفل هشت مارچ روز جهانی زن خیر مقدم میگوییم.

یکبار دیگر روز جهانی زن فرارسید. دسته هشت مارچ زنان افغانستان میخواهد که در کنار شما هم گام و هم صدا فریاد برآورد که آزادی تحفه نیست که از طرف اشغالگران و میهن فروشان و در مجموع سیستم حاکم مرد سالار به زنان اعطا شود، بلکه زنان میتوانند که این آزادی را از طریق مبارزه پیگیر با اتحاد همه انقلابیون اعم از زن و مرد بدست آورد. همانطوریکه این روز با شکوه تحفه اشغالگران نبوده بلکه با خون هزاران زن کارگر که خیابان های

سلام د مارچ ۸ د بنځو نړيواله ورځ تاسو ټولو ته د زړه له کومې مبارک وایم.

چه کسی میخواهد من و تو ما نشویم

خانه اش ویران باد!

من اگر ما نشوم

«تنه‌ایم»

تو اگر ما نشوی

«خویشتنی»

از کجا که من و تو شور و یکپارچگی را در شرق

باز برپا نکنیم

از کجا که من و تو

مشت رسوایان را وا نکنیم

من اگر برخیزم

تو اگر برخیزی همه بر می خیزند!

من اگر بنشینم

تو اگر بنشینی چه کسی برخیزد؟!

چه کسی با دشمن بستیزد؟!

چه کسی پنجه در پنجه هر دشمن دون آویزد!

چه کسی میخواهد من و تو ما نشویم خانه اش ویران باد!

اینک از خواهرمان سما جان میخواهم که روی سستیژ آمده و قطعه شعر خویش را به خوانش بگیرد. تا آمدنش تشویق نمایید

وصیت

سما

سلام ای دخترم! ای نور چشمم

مرا شاید پس از امشب نفس نیست

بگیر این بیل و این داسم بدستت

که در دور و برت کم خار و خس نیست

به دستانت مبندی دست بندی

مگر آزادی ات هرگز هوس نیست؟

مبادا حلقه در گوشت نمایی
ترا محکوم بودن هیچ بس نیست؟

مگر ای دختر دهقان نژادم
ترا این خانه، این دنیا قفس نیست؟

پر پروانه خواهد شعله شمع
و آتشبازی در ذهن مگس نیست

خودت تصمیم تغیر جهان گیر
که جز دست خودت فریاد رس نیست

بیاشان بذر یک دنیای نو را
که در آنجا ستم بر هیچ کس نیست

تشکر از خواهر مان سما جان
در بطن ستم عمری به سر بردم و اینک
با مشت گره کرده و با عزم شکستن
دنیایی پر از جبر و پر از ظلم کهن را
بنیاد ستم را
برمیکنم از ریشه که عمرش به سر آید
دیگر نبر آید

با فکر نو طرح نو اندیشه عالی
دنیایی نوین بر جایش کنم ایجاد
دهقان ستم کش شود از بندگی آزاد
تا خنده شود بار دیگر مونس مردم
با موج ترنم
هر سفره پر از نان شود و فقر شود گم

دنیای ستم گم شود از ریشه و بنیاد

دهقان شود آزاد

میهن شود آباد

در این قسمت از محفل از خواهران فرزانه جان تقاضا مندیم تا مقاله ای که تهیه نموده اند به خوانش بگیرد. الی آمدنش تشویق نمایید.

زنان در ارگانهای دولتی نیز مصئون نیستند

فرزانه

حتی در درون ادارات دولتی زنی که تن به پستی و رزالت ندهد، مورد تجاوز قرار میگیرد. تجاوز به دختر ۱۵ ساله در ریاست امور زنان " ولایت دایکندی زبان گویای رزالت و پستی زورگویان علیه زنان است. وقتیکه زنان در ریاست امور زنان از امنیت برخوردار نباشد زورگویان بدون ترس و هراس به آنها تجاوز نمایند، وای به حال کسانی که در دیگر ادارات دولتی، انجوها و جامعه زندگی می کنند. امروز هیچ یک از ارگانهای دولتی بشمول به اصطلاح کمیسیون " مستقل " حقوق بشر، وزارت امور زنان ، ریاست های امور زنان و نهادهای " مدافع حقوق زنان " نمیتوانند منکر ازدیاد خشونت علیه زنان باشند. همه آنها معترف اند که خشونت علیه زنان در افغانستان قوس صعودی خود را پیموده و می پیماید.

اعتراف به این جنایت نابخشودنی به معنی آنست که تمامی اراکین بلند پایه دولتی یعنی قوه سه گانه دولت، در قضایای خشونت علیه زنان دست دارند. روی همین ملحوظ است که پرونده های خشونت علیه زنان بررسی نشده، بلکه در همان شعبه حفظ میگردد و به معترضان اخطار داده می شود تا از تعقیب عرایض خویش خودداری کنند.

در شرایط کنونی افغانستان بیش از ۹۰ فیصد قضایای خشونت علیه زنان در محلی که اتفاق افتاده دفن میشود. خانواده قربانی از ترس جان خویش دنبال قضیه نمیرود. ده فیصد که به مراجع دولتی میرسد و از طریق رسانه ها انتشار می یابد نیز در ادارات دولتی به آن رسیدگی نشده و مجرم مورد پیگرد قرار نمی گیرد. نه تنها رژیم پوشالی با اغماض از کنار این جنایت می گذرند و حامی این جنایت اند. بلکه اشغالگران امپریالیست نیز از چنین جنایت کارانی حمایت به عمل می آورند. وقتیکه

اشغالگران امپریالیست به بهانه " مبارزه علیه تروریسم " و " آزادی زنان " افغانستان را مورد تجاوز وحشیانه خویش قرار دادند. رژیم دست نشانده و امپریالیست ها برای اینکه اشغال افغانستان را به مردم و بخصوص زنان ستم دیده این کشور موجه جلوه دهد. یکعه از زنان تسلیم طلب و میهن فروش را به چوکی ها بلند دولتی بالا کشید. نهادهای به نام " نهادهای مدافع حقوق زنان " تشکیل نمود و به همین ترتیب ریاست های امور زنان و وزارت امور زنان را ایجاد کرد.

عملکرد یازده ساله رژیم پوشالی، نهادها ، ریاست و وزارت امور زنان که بنام " دفاع از حقوق زنان " ایجاد گردیده به خوبی نشان داد که آنها هیچگاهی برای دفاع از حقوق زنان ایجاد نگردیده ، بلکه بخاطر اغوا و فریب زنان و موجه جلوه دادن اشغال کشور بمیان آمده است. طوریکه دیده شده که وظیفه اصلی این نهادها، ریاست ها و وزارت امور زنان جلب کمک های خارجی و گرفتن پروژه بر حسب منافع شخصی شان میباشد.

" نهادهای مدافع حقوق زنان " و " وزارت امور زنان " همه ساله پول های هنگفتی از بادران اشغالگر خود اخذ میدارند و حیف و میل می کند، اما در ظرف یازده سال گذشته علاوه بر اینکه یک گام در جهت منافع زنان افغانستان برنداشته اند ، بلکه آله دست زورگویان و قدرتمندان دولتی قرار گرفته و می گیرند و حسب میل و آرزوی آنها کار می کنند.

تاریخ یازده ساله رژیم دست نشانده شاهد و گواه آنست که همه ساله خشونت علیه زنان افزایش یافته است. و زنان افغانستان وسیله ای لذا بد جنسی زورگویان قرار گرفته است.

اشغالگران امپریالیست و سرنگونی خائنین ملی، میهن فروشان و زورگویان این میهن. بنا به قول شاعر:

برو قوی شو اگر راحت جان طلبی

که در نظام طبیعت ضعیف پایمال است.

تا زمانیکه زنان ستمدیده افغانستان متحد نشوند و علیه این بیداد گری ها به پا نخیزند، غیرممکن است که بتوان این ستم را محو نمود و به آزادی رسید. آزادی تحفه ای نیست که از طرف اشغالگران و رژیم دست نشانده به ما اهدا شود، بلکه آنرا باید در اثر مبارزات جدی و خستگی ناپذیر بدست آورد.

مرگ به اشغالگران و رژیم مزدور دست نشانده آن

زنده باد آزادی

به پیش در راه اتحاد زنان زحمتکش افغانستان

مردی زنش را در کتربقتل رساند چه کسی او را حمایت نمود؟ فقط اشغالگران امپریالیست. هیچگاه ارگان های رژیم دست نشانده جرات نکردند که از اشغالگران بخواهند تا او را تسلیم شان نماید. هیچگاه قاتل مورد بازپرس قرار نگرفت و فامیل قربانی نیز جرات تعقیب قضیه را نکرد.

وقتی که یک زن در "ریاست امور زنان" که آنرا خانه خود میداند و احساس امنیت می کند، مورد تجاوز قرار گیرد در سطح جامعه واحد بهشتی و امثال آن این حق را به خود میدهند که دست به چنین جنایتی بزنند.

زنان ستمدیده افغانستان!

لحظه ای به خود آئید و به این جنایات نابخشودنی فکر کنید که هر روز در جلو چشمان تان اتفاق می افتد. جگرگوشه های تان به انواع و اشکال خشونت هر روز روبرو می شوند. راه و چاره ای بیندیشید تا زنان ستمدیده این میهن را از این جنایات و ستم بی حد و حصر نجات دهید. برای محو این ستم فقط و فقط یک راه موجود است، آن اتحاد و مبارزه بی امان زنان ستمدیده افغانستان جهت بیرون راندن قهری

با تشکر از خواهران فرزانه جان

بلی!

تاریخ یازده ساله رژیم دست نشانده شاهد و گواه آنست که همه ساله خشونت علیه زنان افزایش یافته است. و زنان افغانستان وسیله لدايد جنسی زورگویان قرار گرفته است. حتی در درون ادارات دولتی زنی که تن به پستی و رزالت ندهد، مورد تجاوز قرار میگیرد. تجاوز به دختر ۱۵ ساله در ریاست امور زنان " ولایت دایکندي زبان گویای رزالت و پستی زورگویان علیه زنان است.

بروي برگ دفتر مینویسم

فضا را پر کبوتر مینویسم

پر پرواز آزادي کنم رسم

سر کوه که سنگر مینویسم

حالا خواهران مینا جان شعری را که آماده نموده اند خدمت تان تقدیم مینماید.

خواهر

مینا

خواهرم بیدار شود تقدیر دنیا دست توست
 دفن کن دیروز را آغاز فردا دست توست

گرچه تا امروز هم بستست دست و پای تو
 موج طوفان خیز مردم مثل دریا دست توست

دشمن خونخوار ما ترفند ها دارد مگر
 صخره سنگ مرگ دشمن کوه بابا دست توست

داده نا مردان به دشمن خاک میهن را اگر
 سنگ هر کوه و دره، دشت و صحرا دست توست

زندگی را در اسارت سر نمودن ذلت است
 پاره کن زنجیر را دست توانا دست توست

با تشکر از خواهر مان مینا جان.

می شمارم لحظه ها را، لحظه های درد را
 می فشارم دست ها را دست های سرد را
 گوشه هایم خو گرفته با چنین احوال و حال
 درد های اجتماعی ناله های فرد را
 دل اسیر نا امیدی می شود با صد دریغ
 وقتی می بینید قشون جهل و خاک و گرد را
 ها ! مشو مایوس دل ! امیدها را سبزدار
 وقتی می بینی خزان و برگهای زرد را

میرسد از ره شفق با انقلاب سرخ رنگ
 میکند زیر و زبر این لشکر شبگرد را
 سیل خشم توده ها با موج های سرکشش
 گم کند میهن فروشان و همه نا مرد را
 در این قسمت محفل از گروه سرود میخواهم که محفل ما را رنگین تر سازد. تشویق شان نمایید.

۸ مارچ

روز هشت مارچ را فرخنده تر می کنیم

آسمانها را بگو، ما ستاره می شویم
 ما ستاره می شویم
 ما ستاره می شویم
 بیکرانها را بگو، ما شراره می شویم
 ما شراره می شویم
 ما شراره می شویم

روز هشت مارچ را فرخنده تر می کنیم

بزم پیروزی منم ، شعر آزادی منم
 شعر آزادی منم
 شعر آزادی منم
 خشم زندگی منم، عشق و دوستی منم
 عشق و دوستی منم
 عشق و دوستی منم

روز هشت مارچ را فرخنده تر می کنیم

زنهای آزاده را قدرتمندش می کنیم
 قدرتمندش می کنیم
 قدرتمندش می کنیم
 زن های بیچاره را سربلندش می کنیم
 سربلندش می کنیم
 سربلندش می کنیم

روز هشت مارچ را فرخنده تر می کنیم

با تشکر از گروه سرود

من یک زنم،

بادست های که ،

از تیغ برنده رنجهای،

زخم ها دارد.

زنی که قامتش از نهایت بی شرمی شما

در زیر کار توانفرسای،

آسان شکسته است

زن که پوستش ایینه آفتاب کویر است،

و گیسوانش بوی دود میدهد

من زنی آزاده ام

زنی که از آغاز

پا به پای رفیق و برادر خود

دشت ها را درنوردیده است

زنی که پرورده است

بازوی نیرومند کارگر

و دست های پر قدرت دهقان را

من خود کارگرام

من خود دهقانم

تمامی قامت من نقش رنج

و پیکرم تجسم کینه است

چه بی شرمانه است که بمن میگویند

رنج گرسنگی ام خیال

و عریانی تنم رویا است

من یک زنم

زنی که مرادف مفهومش

در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما

وجود ندارد

زنی که درسینه اش دلی

خشم است

زنی که در چشمانش

انعکاس گلرنگ گلوله های آزادی

موج می زند

زنی که دست هایش را کار

برای گرفتن سلاح پرورده است

اوس له اغلی آرزو خخه هیله کوم چی خپله مقاله تاسوته واوروی.

د بنخو زنجیری قتلونه او د هغو لاملونه

دغه امپریالیستی ستم خخه زموږ د هیواد بنخینه برخه وری په دی چی امپریالیستی کړاو له جنسی کړاو سره نیغی او نه شلیدونکی اړیکی لری او دغه شرایط چی د یرغلگرو په واسطه مینخ ته راغلی تر ټولو ډیره قربانی له بنخو خخه اخلی او موږ د دې شاهد یاستو چی په تیرو ۱۰ کلوکی د بنخو وضعیت تر پخوا لا هم بدتر شوی دی او هره ورځ گڼ شمیر بنخی ددغو ناخوالو قربانی کیږی.

د یرغلگرو په راتلو سره که په څو ښارونوکی د تحصیل او کار زمینه تر یو حده بنخو ته برابره شوی ده خو د هغه ترڅنګ ډول ډول توهین او تحقیر ور سره مل دی او په همدغه ښارونوکی بنخی په هر راز سره خپل کیږی او پرته له ډیرو ستونزو گاللو هغوی نشي کولی چی خپلو کارونو ته دوام ورکړی او دا ځکه چی د کور خخه بهر هم هغوی ته یو نرواکی ټولنه سترگه په لاره ده او د کور خخه بهر ماحول کی هم بنخی خورول کیږی او آن دا چی گواښول کیږی او ناوړی جنسی گتی تری اخیستل کیږی. په تیره بیا په دا ورستیو وروځوکی گورو چی د بنخو مرگونه لا هم ډیر شوی دی او په پرله پسې

موږ په داسی یوی ټولنه کی ژوند کو چی د ۴۴ امپریالیستی هیوادونو له خوا د بنخو د آزادی په نوم تر ښکیلاک لاندی راغلی ده او له دغه یرغل خخه کابو ۱۰ کاله تیر شول او په دی موده کی نه یوازی دا چی د بنخو په وضعیت کی کوم بنسټیز بدلون نه دی راغلی سربیره پر هغه د کړاو کچه په دوی باندی لا هم زیاته شوی ده او هره ورځ بی شمیره بنخی وژل کیږی، تیری ورباندی کیږی، په زور زیاتی سره واده کیږی، په بدو کی ورکول کیږی او داسی نور...

اوهما راز یو شمیر بنخی د ناموسی قتلونو تر سرلیک لاندی وژل کیږی چی دی لری د ډیر پخوا خخه دوام درلوده او اوس هم دوام لری.

لاس پوځی رژیم نه یوازی دا چی د دی ټولو ستونزو په وړاندی مبارزه نه کوی بلکه پخپله هم په دغو کړاونو کی ښکیلی دی او ددغو عاملونو ته سزا نه ور کول کیږی په دی چی دوی خپله غواری چی د ټولنی نیم اړخ تر کړاو او تیری لاندی وه، اوسی زموږ په ټولنه کی ټول خلک له امپریالیستی کړاو خخه رنځ وری او ټول وگری له دغه کړاو خخه په تنگی راغلی دی خو تر ټولو زیات رنځ له

توگه وژل کيږي، کله د لاس پوڅي رژيم لخوا او کله بيا د هغي ارتجاعی او وروسته پاتي ډلي لخوا چې په ټوليزه توگه د فيوډالي مناسباتو استازيتوب کوي. کله د صحرايي محکمی په ترڅ کي وژل کيږي او کله هم د رژيم تر سيوري لاندی د دینی عالمانو لخوا ورباندی فتوا صادرپيږي او وژل کيږي دا په داسی حال کي ده چې گوداکی رژيم ادعا لري چې د قانون په وړاندی ټول خلک له برابرو حقوقو څخه برخه مند دی.

په دا نږدی ورځو کي يو شمير بنځی د خپلو ميرونو لخوا وژل شوی دی لکه ۲۰ کلنه بنځه چې د غزنی په ولايت کي د شپي په خواږه خوب کي د خپل ميره لخوا ووژل شوه او ميره يی په تيبسته بريالی شو همدا راز په باميانو کي د واحد بهشتی له خوا د شکیلا په نوم يوي پيغلی باندي جنسی تيري وشو او بيا د هغه لخوا ووژل شوه او تردی وروسته د غزنی ولايت په جاغوری ولسوالی کي چې يوه پيغله د دینی عالمانو لخوا په دورو ووهل شوه حال دا چې هلک د پيسو په ورکولو سره خوشی شو دا په داسی حال کي ده چې په دغو ټولو سيمو کي لاس پوڅی دولت واکمنی لري. مگر تر ټولو خواشينوونکی دا چې د سنبله په ۴ تاريخ دکابل په دشت برچی سيمه کي د سينما يوه لوبغاړی د ناپيژندو کسانو لخوا ووژل شوه او دولت د دی پيښی په وړاندی اصلا اقدام ونکړ او له هيڅ چا څخه تپوس ونشو چې دا نجلی څنگه او ولی ووژل شوه.

دا ټول پرله پسې او کريزقتلونه دی چې د مزدوردولت او

طالبانو تر ولگي لاندی سيمو کي تر سره کيږي.

اوس به راشو دی ته چې د دغو پرله پسې قتلونو لاملونه څه دی؟

له يو خوا موږ په داسی يوي ټولنی کي ژوند کو چې تر ټولو وروسته پاتي اقتصادی مناسبات په کي واکمن دی. او له بلی خوا زموږ هیواد ترامپريالستی بنکيلاک لاندی راغلی ملک دی يعنی دا چې موږ په يوي مستعمره او نيمه فيوډالی ټولنی کي ژوند کو چې دغه وروسته پاتي مناسبات دودونه او رواجونه او د يرغلگرو غولوونکی سياستونه سره يو ځای له بنځو څخه قربانی اخلی او په بنځو باندي کړاونه له امپرياليسی کړاونو سره تينکی اړيکی لري. دغه دواړه هغه ډير مهم لاملونه دی چې د هغو له کبله په بنځو باندي داسی دردونکی حالت راغلی چې هره ورځ په ډول ډول هغو څخه قربانی اخیستل کيږي، رتل کيږي او وژل کيږي

په اوسنیو شرايطو کي د دغه وضعیت تر ټولو عمده لامل په هیواد کي د امپرياليسی يرغلگرو شتون دی د دغو ټولو لاملونو په پام کي نيولو سره موږ بنځو ته اړينه ده چې په اوسنی شرايطو کي تر ټولو د مخه د يرغلگرو پر وړاندی ودريږو اوله هغوی سره مبارزه وکړو تر څو وشو کولای چې هغوی له خپل هیواد څخه بهر کړو او دهغوی گوداگی رژيم و پرزو او يو ولسواک حکومت دهغه پر ځای واکمن کړو.

له ميرمن آرزو څخه مننه

لعنت نما بر شرم و بالا کن سرت را

يعنی که در آتش بيافگن چادرت را

روزی که بر سرت افتاد اين غم

کم کم گرفت از تو همای باورت را

صد نسل زیر چادريها ماند و پژمرد

صد نسل پيش از تو نديدي مادرت را؟
 كاري نبرده از پيش، شرمي اشكي تا حال
 عادت بده با مشق عصيان شهپرت را
 بشكن سكوت قرنهايت را از اين پس
 بيدار كن از خواب غفلت خواهرت را
 ويران نما ديوار زندان و اسارت
 ديوار مرز بين خود با شوهرت را
 در اين محيط خشك و زنگ آلود خواهر
 آهنگ باور پخش كن دور و برت را
 جرمت چي باشد؟ از چه داري ترس اي زن؟!
 لعنت نما بر ترس و بالا كن سرت را
 در اين قسمت محفل خواهرما زحل جان شعري را به سمع شما ميرساند تشويق نماييد.

د بنخي ژرا

زحل

مه مي خنده وه زه چيري نه يم د خدا
 زه يوه ناره يم د غمونو د دنيا
 ستا په زندانو كي مي پيري پيري ژرلي دي
 نشته را كي توان نور د غمونو د ژرا
 دا زما په لاس كي كړي نه دي هتكري دي
 زما د غور لبنتي د وينز توب نينه برالا
 ستا شوه كه خاني شوه اميري شوه
 زما شو كه آفت شو كه غمونه كه ژرا
 اوس راسره مات كړه د تاريخ دا زنجيرونه
 دا د بردگي زولني لري كه له ما

با تشکر از خواهرمان زحل جان

فریبت میدهد خواهر! بهشت ات زیر پا نبود

تو تنها چوب سوزانی تنور این جهنم را

ترا با وعده های پوچ دل خوش میکند هر دم

که تا پنهان کند از چشم تو پهنای این غم را

در این قسمت از محفل از دختران خورد سال خواهشمندیم تا نمایش رزمی خویش را اجرا نمایند.



با تشکر از گروه رزمی.

نامردیکه شیره جانم چشیده ای

ای که ندیده ای غم پشت حجاب من

شمشیر را به خون دلم آب داده ای

شاید دمی ملول شوی از عذاب من

دیوانه است بید، بیا ای نسیم صبح

چنگی بزنی که خنده کند آفتاب من

در این قسمت محفل از خواهرمان ویژه جان تقاضامندیم مقاله ای را که تهیه نموده اند به خوانش بگیرد

تشویقش نمایید

اشغال گران امپریالیست حامی ستم جنسی اند

ویژه

در بامیان به یک دختر جوان که بعد از تجاوز وی را به قتل رسانده است. مثال دیگر آن در ولایت کنر اتفاق افتاده است. زمانیکه شوهری زنش را میسوزاند، بعد از قتل زنش در پایگاه امریکائی ها پناه میبرد، که هیچگاه مورد بازپرس قرار نگرفت. زر بی بی یکتن دیگر در ولایت بغلان که از طرف بچه عمه اش مورد تجاوز قرار می گیرد. حینکه پدرش به آمرجنائی ولسوالی نهرین شاکی میشود. آمرجنائی غرض تحقیق دختر را می طلبد، دختر را شب به عنوان تحقیق نگه میدارد و به او تجاوز می نماید طبق ادعای فامیل دختر امرجنائی دستگیر می شود. اما به زودی ازاد میگردد. اینست ارمان دموکراسی اشغالگران در کشورما.

مبارزه با این ستمگری ها وبخصوص ستمگری جنسی جزلاینفک مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست ورژیم پوشالی است. تازمانیکه زنان ستمدیده افغانستان سطح آگاهی سیاسی شانرا بالا نبرند ومتحد نشوند وبا تمامی نیروهای انقلابی کشور دوشادوش به مبارزه علیه اشغالگران ورژیم پوشالی برنخیزند، شکستن این زنجیرهای ستم غیر ممکن خواهد بود.

برای اینکه درکشور ما دیگر از چنین ستمی خبری نباشد وزنان مال شخصی مرد حساب نشود، باید که بطورجدی وخستگی ناپذیر علیه اشغالگران ورژیم پوشالی که حامی ستم بر ستمکشان وبخصوص زنان میباشند به مبارزه برخاست وتا زمان بیرون راندن اشغالگران وسرنگونی رژیم پوشالی این مبارزه را ادامه داد. زیرا ستم جنسی با ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی گره خورده است. برانداختن ستم جنسی بدون بر انداختن ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی غیرممکن است.

زنان مبارز و آگاه باید دراین راه پیشگام شوند وبرای آگاهی دادن زنان ستمدیده آستین ها را برزنند وبا جدیت علیه اشغالگران ورژیم پوشالی بمبارزه برخیزند. تا زمان محو ستم جنسی این مبارزه را باجدیت به پیش برند.

مرگ بر اشغالگران

مرگ بر خائنین ملی

به پیش در راه گسستن زنجیرهای ستم

جامعه ایکه بر بنیاد طبقات استوار است، بنا گزیر ستم طبقاتی بر مردمان آن اعم از مرد وزن اعمال میگردد، ومورد بهره کشی طبقات ستمگر قرار میگیرند. در جوامع مانند جامعه افغانستان سنت های عقب مانده فیودالی وفرهنگ حاکم مرد سالار، این ستمگری را مضاعف نموده است.

گرچه امروز حتی در جوامع "متمدن" زن از ستم جنسی وستم طبقاتی رنج میبرد. برای رهائی از این بلایا دست وپنجه نرم میکنند. در جوامع نیمه مستعمره - نیمه فیودالی یا مستعمره - نیمه فیودالی سلطه فرهنگ مردسالاری - فیودالی وسنن مزخرف عقب مانده که ناشی از فرهنگ فیودالی است سبب عدم پیشرفت زنان گردیده وزنان را در جمله ملکیت مرد به حساب می آورد، حتی زنان بیوه در چنین کشورها در جمله میراث مرد به حساب می آیند. بیسوادی وعقب ماندگی زنان از لحاظ مسایل اجتماعی ریشه درسیستم مردسالاری دارد که مانع رشد آگاهی زنان گردیده و آنها را از بسیاری حقوق شان بی خبرنگهداشته است. تا انجائیکه هر آنچه که رژیم پوشالی و اشغالگران امپریالیست به زنان دیکته می کنند مورد پذیرش زنان قرار می گیرد.

کشور اشغال شده ما به خوبی بیانگر این مدعا است که امپریالیستهای اشغالگر حامی ستم بر زنان میباشند. چنانچه در ظرف پیش از یازده سالی که از اشغال کشور وعمر ننگین رژیم پوشالی می گذرد، نشان داده است که زنان به شدید ترین وجهی مورد ستم قرار گرفته اند.

سنگسار وشلاق زدن زنان نه تنها در مناطق طالبان صورت گرفته، بلکه در مناطق زیر کنترل رژیم دست نشانده نیز به چشم خورده ومی خورد، شلاق زدن یک دختر جوان در جاغوری بیانگر این مدعا است. از طرف دیگر در مناطق زیر کنترل اشغالگران ورژیم پوشالی زنان در عدم امنیت کامل بسر می برند، روزی نیست که دختران وزنان جوان از طرف زورگویان رژیم پوشالی مورد تجاوز، اختطاف قرار نگیرند وحتى در بسیاری موارد بعد از تجاوز به قتل رسیده اند متجاوزین به حقوق زنان از طرف اشغالگران ورژیم پوشالی تحت حمایت قرار گرفته ومیگیرند. مثال برجسته ان تجاوز واحد بهشتی

تشکر از خواهرمان ویژه جان

برای اینکه در کشور ما دیگر از چنین ستمی خبری نباشد زنان مال شخصی مرد حساب نشود، باید که بطور جدی و خستگی ناپذیر علیه اشغالگران ورژیم پوشالی که حامی ستم بر ستمکشان و بخصوص زنان میباشند به مبارزه برخاست و تا زمان بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم پوشالی این مبارزه را ادامه داد. زیرا ستم جنسی با ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی گره خورده است. برانداختن ستم جنسی بدون برانداختن ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی غیرممکن است.

زنان مبارز و آگاه باید در این راه پیشگام شوند و برای آگاهی دادن زنان ستمدیده آستین ها را برزنند و با جدیت علیه اشغالگران ورژیم پوشالی بمبارزه برخیزند. تا زمان محو ستم جنسی این مبارزه را با جدیت به پیش برند.

باز هم از گروه سرود خواهشمندیم تا با اجرای سرود دوم خویش محفل مارا شادابی بیشتر ببخشد الی آمدنش تشویق نماید

سرود دوم

د توری څوکه دی تیره که جنی

چی ستا د چیغی د ایستلو ورځ دی

وطن کی خویندی زولنی شیرنگوی

نن د زندان د ړنگولو ورځ دی

راځه په گډه حماسه جوړه کو

په یوه غږ به هنگامه جوړه کو

ته شمله راویره زه پلو درویره

په غلیمانو به تیاره جوړه کو

په دی گونگی په دی ړانده ولس کی

ستا د فریاد پورته کیدلو ورځ دی

د رواجونو د وحشی زولنو

په یوه غږ د ماتولو ورځ دی

با تشکر از گروه سرود

راخه په گډه حماسه جوړه کو
په یوه غږ به هنگامه جوړه کو
ته شمله راوړه زه پلو دروړمه
پر غلیمانو به تیاره جوړه کو
د ظالمانو پر نړی به غونچي
په نیمه شپه کی زلزله جوړه کو

حال خواهر ما حماسه جان با سخنان خویش محفل ما را مزین میسازد تشویق شان نمایید.

آزادی زنان افغان، شعار غرب برای رسیدن به اهدافش

متن سخنرانی حماسه " جاوید "

همه ما به یاد داریم که چطور امریکا با شعار "آزادی زنان" و تساوی حقوق زن و مردم وارد کشور ما شد. آنان کاری از پیش نبرده است، بلکه به خشونت علیه زنان چهره ای شنیع تر از قبل داده است.

طالبی شلاق به دست که زنان را در بازار لت و کوب می کند و زنانی همه چادری پوش، کلیپی بود که بیش از هزاران بار از رسانه های غربی پخش شد. این کلیپ و زنان چادری پوش اسارت زنان و خشونت علیه آنان را به تصویر می کشید و این مساله بهانه خوبی برای امپریالیزم بود تا مساله زنان را وسیله برای مشروعیت بخشیدن به اشغال افغانستان سازند.

اینک بیش از یک دهه از اشغال کشور می گذرد، اما نه تنها خشونت علیه زنان کم نشده، بلکه به گونه های مدرن افزایش نیز یافته است و می توان گفت که وضعیت زنان در حال حاضر رو به وخامت است.

از هر ۱۰ زن در جهان، ۶ نفر در طول زندگی خشونت فیزیکی و یا جنسی را تجربه می کنند.

" بانک جهانی در يك بررسی در رابطه با ۱۰ عاملی که زنان را در سنین ۲۰ تا ۴۴ تهدید می کند به این نتیجه رسید که تجاوز و خشونت خانگی از سرطان، تصادفات، جنگ و مالاریا برای این زنان خطرناکتر است."

بد نیست نگاهی به اشکال ستم بر زنان در کشورهای

روزانه تجلی این خشونت را که در عصر کنونی بر زنان اعمال می شود را کم کاست از مطبوعات می بینیم، می شنویم و می خوانیم و این مساله خود گواهی بر این است که امریکا نه تنها برای آزادی زنان و رفع ستم بر

اینک بیش از یک دهه از اشغال کشور می گذرد، اما نه تنها خشونت علیه زنان کم نشده، بلکه به گونه های مدرن افزایش نیز یافته است و می توان گفت که وضعیت زنان در حال حاضر رو به وخامت است.

امپریالیستی غرب مثل آمریکا و انگلستان بیاندازیم. ۱۱۸۱ نفر زن در آمریکا بدست شریک زندگی خود در سال ۲۰۰۵ به قتل رسیدند. این میانگین سه زن در روز می باشد. ۲۳۹۶۰ زن در آمریکا مورد تجاوز و یا آزار جنسی در سال ۲۰۰۶ قرار گرفتند. این بیشتر از ۲۵ نفر در هر ساعت است. بر حسب داده‌های آماری توسط وزارت عدالت آمریکا بیش از ۱۸۰۰۰۰ زن در سال ۲۰۱۰ مورد تجاوز قرار گرفتند. این آمار هم چنین تخمین زده است که یک نفر از پنج دختر دانشجو در آمریکا در دوران تحصیل در کالج مورد تجاوز و یا مورد آزار به قصد تجاوز قرار می گیرد و کمتر از ۵ درصد این تجاوزات به پولیس گزارش می شود.

در بریتانیا طبق آماری که در نشریه خبری وزارت کشور در مارچ ۲۰۱۲ آمده است هر ساله ۴۰۰ هزار زن مورد آزار جنسی و ۸۰ هزار زن مورد تجاوز قرار می گیرند، این بیشتر از ۹ تجاوز در ساعت است. علاوه بر این گزارش شده است که اعمال زور و آزار جنسی در مدارس بریتانیا معمول است.

بطور میانگین، هر هفته دوزن (۱۱۰ نفر در یک سال) در انگلستان و ولز بوسیله شریک زندگی و یا شریک زندگی سابق به قتل می رسند. در فرانسه، ۱۲۲ زن توسط شریک و یا شریک سابق زندگی در سال ۲۰۱۱ به قتل رسیدند.

بنابر این سوالی که مطرح می شود این است که کشورهای غربی با این آمار بالای خشونت علیه زنان در کشورهای خودشان، چطور می خواهند برای زنان افغان آزادی به ارمغان بیاورند؟

خشونت علیه زنان محصول مالکیت خصوصی و نظام سرمایه داری و مرد سالاری است. نظام سرمایه داری تمام تلاش خود را می کند تا از ستم بر زنان و مرد سالاری برای انباشت بیشتر سرمایه استفاده کند. تا بتواند از آنان به عنوان دستگاه تولید کارگر و کارگر بدون مزد استفاده کند. بدون حمایت مرد سالاری محال است که به این هدف برسند. بنابر این امپریالیزم نیازمند این است که برای استواری و پایداری خود نظام مرد سالاری تقویت و حمایت کند.

مساله اساسی این است که امپریالیزم بالاترین مرحله نظام سرمایه داری است مردسالاری تاریخاً در خدمت آن بوده است. بنابر این امپریالیزم حامی ستم بر زن است و هرگز نمی تواند با پدیده خشونت علیه زن مبارزه کند، ولی از آنجایی که آزادی، برابری و دموکراسی شعار امپریالیزم است راه هایی کاذب و فریبنده در پیش می گیرد تا نشان دهد که از زنان دفاع می کند.

بنابر این مبارزه امپریالیزم با خشونت چیست؟ جواب خیلی ساده است، ایجاد NGO، سازمان های دولتی و غیر دولتی.

این انجوها نیز در بهترین حالت آن طراح یک سلسله برنامه های فریبنده و اغوا کننده بوده و می باشد که در خدمت اشغالگران و رژیم دست نشانده آنان قرار دارد.

در این میان پدیده ای که در مناطق دیگر خاورمیانه و از فلسطین گرفته تا اردن و ترکیه و سوریه، مشاهده می کنیم این است که پروژه های NGO ها زبان مشترک و واژه های مشترک یافته اند. مثلاً وقتی از NGO های مناطق مختلف که به زبان های مختلف صحبت

می کنند سوال می کنیم «برنامه هایتان چیست؟»، همه می گویند ما پروژه برای رابطه جنسیتی یا رابطه زن و مرد را جزء برنامه های اصلی ما قرار داده ایم. یا اینکه از واژه Women's Empowerment برای پروژه توانمند کردن زنان، استفاده میکنند که قابل ذکر است که در حال حاضر هزاران پروژه توانمند سازی در سرتاسر خاورمیانه در حال انجام است که شامل برنامه هایی می شود مانند برنامه سوادآموزی، برنامه های خرد اقتصادی، تولید صنایع دستی و فروششان، مخصوصا برای صادرات یکی دیگر از این برنامه هایی که به اصطلاح بخشی از برنامه توانمند کردن زنان است. همه این برنامه ها در خدمت ارتجاع و امپریالیزم غرب قرار داشته و هیچگونه ربطی به مبارزه علیه سیستم مرد سالاری ندارد.^{2۱}

این است که در سه دهه اخیر امپریالیسم آمریکا برای مقابله با انقلاب در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و کشورهای قبلا بخشی از بلوک شرق بوده اند، به NGO ها یا سازمانها غیر دولتی متصل شده و سعی دارد با توسعه و گسترش NGO ها، این تشکلات غیر دولتی جای جنبش های اجتماعی از قبیل جنبش دانشجویی، جنبش زنان، جنبش کارگری، جنبش های دهقانی و جنبش جوانان را بگیرند تا بتوانند این جنبش ها را کنترل کرده و مطمئن شوند که این جنبش ها شکل نخواهند گرفت. در واقع هنگامی که سران حکومت های امپریالیستی و موسسات مالی و بانکی امپریالیستی و سازمان ملل بر گسترش جامعه مدنی تأکید می کنند و جامعه مدنی را مجموعه ای از NGO ها به حساب می آورند، هدفشان از یک طرف از بین بردن جنبش های اجتماعی است، آن هم به دلیل ماهیت ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی این جنبش ها و از طرف دیگر ایجاد

یک پایگاه اجتماعی و سیاسی با قصد پیشبرد اهداف ایدئولوژیک و فکری خودشان در این جوامع است.^۲ بنابراین برای ریشه کن کردن ستم بر زن باید بدانیم که از کجا باید آغاز کنیم و برای رسیدن به این مهم آماده نبرد با چه ابر قدرت های امپریالیستی، مرتجعین و میهن فروشان باشیم؟

از آنجا که دانستیم یکی از عوامل عمده ستم بر زن، نظام سرمایه داری است و امپریالیزم غرب برای تداوم حیات خود تا آنجا که بتواند این نظام را وسعت می دهد، دشمن اصلی ما در این مقطع زمانی امپریالیزم امریکا است که از دولت دست نشانده و مرد سالار آقای کرزی دفاع و پشتیبانی می کند.

پس باید بدانیم که مبارزات زنان در راه آزادی، مبارزه سیاسی است، زنان برای کسب آزادی با شوهر، پدر، برادر و مردان خانه طرف طرف نیستند، بلکه با نظامی سیاسی و قدرت دولتی که از نظام مردسالاری حمایت می کنند، طرف هستند.

زنان برای کسب آزادی و رهایی نیازمند مبارزه سیاسی، تشکیل جنبش سیاسی و متحد شدن هستند. زنان باید در این مسیر محکم و استوار قدم برداشته و به قول آذر درخشان، هر زنی باید خود را نخی از ریسمانی بداند که بر گردن مردسالاری آویخته شده است.

با سپاس

1. مجاب. شهزاد؛ اشغال نظامی «دموکراسی امپریالیستی» و «فمینیسم استعماری»؛ سایت ۸ مارس

تشر از حماسه جان

روز آزادی میهن عید ماست
 خلق را گلها به دامن عید ماست
 وقتی بالا شد درفش سرخ رنگ
 روز نابودی دشمن عید ماست
 رشته های بردگی چون بگسلد
 رخت استقلال بر تن عید ماست
 وقتی گردد عدل حاکم بر جهان
 عدل را جاوید گفتن عید ماست
 بشکند دندان استعمار گر
 این سرو دندان شکستن عید ماست
 دید استعمار را با نوکران
 قطع کردن دست و گردن عید ماست
 خم شود گر قامت تبعیض ها
 رنگ، نسل و مرد یا زن عید ماست
 دشمن اشغالگر را در دهن
 مرگ گفتن، مشت گفتن عید ماست

اینک خواهرمان مهناز جان شعری را که تهیه دیده به خوانش میگیرد.

مسافران راه علم



مهناز

ما در این گیر و دار آتش و خون
 راه دشوار پیش رو داریم
 آسمان سنگ اگر ببارد هم
 مثل آیینه باز خو داریم



صاف و شفاف و عیب گو و نترس
سوی منزل قدم زنان در پیش
کی توان سد راه مان گردد
خار اگر میزند هزاران نیش

راه مان علم و ما مسافر او
جز بدامان علم بستر نیست
راه جویان دانش و علمیم
هیچکس غیر علم رهبر نیست

پس الا همرهان پیش، پیش
فرصت لحظ ای درنگی نیست
سربکف میرویم سوی هدف
بهتر از رنگ سرخ رنگی نیست

علم اگر رنگ سرخ دربر کرد
میوه ای بیشمار می آرد
میروود درد و سوزش سرما
در زمستان بهار می آرد

هرکه آزاده است باید رفت
رو به منزل بسوی آزادی
ما رسالت بدوش مان داریم
تا کنیم جستجوی آزادی

تابکی سیم خاردار بدست
دور اندیشه هایمان دیوار؟
تابکی هرکه گفت آزادی
گردنش میروود به چوبه ای دار؟



تابکی قد خمیده ره جوییم؟
 قد مان راست مثل کاج کنیم
 ما پی درد شاخه میگشتیم
 ریشه ای درد را علاج کنیم

نیست مردم فرار راه علاج
 سنگ در جای خود گران سنگ است
 ملک را دست خصم بنهادن
 بین انواع ننگ این ننگ است

سربه راه فرار بنهاده
 تابکی از وطن فرار کنیم
 بهتر است از فرار در این خاک
 راه سردادن اختیار کنیم

گرکه همراه مان رفیق ره اید
 یک قدم راه نیز کج نروید
 مادر مان اسیر شیطان است
 بهر شیطان کشی به حج نروید

دست و پا بسته ایم در زنجیر
 چیست آخر بگو گناه مان؟
 پاره کن بند و قفل را بشکن
 سرخ و پاینده باد راه مان

تشكر از مهناز جان

شعر من ای گوهر افتاده از چشم زمان
 شعر من ای گلبن پرورده در بستان رنج
 شعر من ای غنچه پژمرده در مرداب غم
 شعر من ای اشک سیمین خفته بر مژگان رنج
 شعر من ای آه خونین بر لب خاموش من
 بلبل دستان سرای اشیان بر دوش من
 نغمه شادی به بزم سوگواران تا به کی
 زندگانی در پناه نابکاران تا به کی
 بال زیبایی تو با زنجیر زرین بسته اند
 شعر من ای بلبل دستان گر عشق وامید
 شعر من ای شعله لرزان شب های سیاه
 شعر من ای مهر عالم تاب فردای سپید
 ناله شو فریاد شو فریاد رزم انگیز شو
 نغمه جانسوز شو اهنگ رستاخیز شو
 پرده بی داد و زنجیر ستم را پاره کن
 ازهراس زور مندان پرده پوشی تا به کی؟
 موج شو سیلاب شو سیلاب پر جوش و خروش
 لرزه در دل ها پدید آور خموشی تا به کی؟

حالا برادر کوچک ما سیر جان شعری را که تهیه نموده خدمت شما تقدیم میکند.

حماسه شعله

سیر

توای هم رزم وهم زنجیروهم سنگر
 سرازدامان پندار سیاه خویشان بردار
 مگرازدشنه خون ریزدژخیمان
 مگرزین روسپی خویان بدگوهر
 هراسی درنهان گاه روان خویشان داری
 مگرمینای روح ازشرنگی ترس لبریزاست
 گناه است این که میگوی

افق تاراست و شب تاراست وره تاراست وناهموار
 امید پیشتازی نیست دراین راه ضلعت بار
 توای هم رزم وهم زنجیروهمسنگر نمی دانی
 که جاویدان نباشد این سیاهی وین فسون کاری
 ندارد پایه دیرندگی اورنگ اهریمن
 سرایداین شب تاریک وغم گستر

ودر پایان این شب این شب خاموش هستی سوز
 و در فرجام این تاریکی تلخ و روان فرسا
 براید آفتاب سرخ از خاور
 تو تنها نیستی در سنگر پیکار
 تو تنها نیستی رزم آزما بادیمردم خوار
 که از هر گوشه گیتی

که ازهرگارگاه و روستا و شهر
 نوای کارزاروبانگ رستاخیز می آید
 توهم برخیزوبارزمندگی پیکارخونین را پذیراشو
 بسوی مرگ هستی سازدشمن سوزپویاشو



مگرای هم ره هم رزم وهم زنجیرو همسنگرمی دانی

که دراین دشت و این صحرا

درین وادی که برآن بال های مرگ خونین سایه گسترده

دراین پهنا

که مرغان برفراز شاخسارانش سرودرنج می خوانند

دراین کشتی که آنرا ناخدایان فسون گستر

به سوی ساحل بیداد می رانند

دراین دریای موج آگین و توفان زای غم های توان فرسا

که اندر کارگاهانش

روان رنجبر در کوره بیداد می سوزد

که اندرروستاهای تهی از سبزه و آبش

که اندردشت های خشک وسوزاش

دل برزیگران چون نخل های تشنه صحرا

بود در آرزوی قیرگون ابری

که از آن بردرخشد آتشی و تندبارانی فرود آید

به سوی توست چشم روستایی پیرمردانی

که زخم تازیانه پشت شان را کرده هم چون کشت زاران پرشیاروچین

و چشم مادرانی بینوا کاندردل شب ها

بروی کودکان خویشتن

این سبزه های باغ رنج افسانه می گویند

و چشم رهنوردانیکه با رنج هابردوش و دل پر جوش و لب خاموش

دراین دشت و این دامان راه می پیوند

و چشم ژرف بین قهرمانانی که اندر گوشه های تار زندان ها

به پا زنجیر ها و بند های آهنین بر دست عمری زنده در گورند

که تا برخیزی و زنجیر ها را بشکنی و بر فروزی آتشی

تا این خسان این ناکسان در آن بسوزند.



تشکر از سیر جان

صورت می خپل واک ئی د بل دی

صورته خاوری شی بل دی واک لرینه

په نیمه شپه سوی ناری شوی

مور له لورانو بیلوی کوکی وهینه

خلکو د کندو پناگر شی

چی میراث خور ئی په لیوانو ودوینه

حالا از خانم خارا خواهشمندیم تا سخنان خویش را ایراد نمایند.

متن سخنرانی خانم خارا

من مرغ آتشینم، شب را به زیر سرخ پر خویش می کشم

در من هراس نیست ز سردی و تیرگی، من از سپیده های دروغین مشوشم

جوانان عزیز اعم از دختران جوان و پسران جوان واقعاً امروز در کنار شما خیلی خوشحالم بعد از مدت های طولانی در کنار خانم های که واقعاً در این روز حد اقل برای روز زن حاضر شده اید خیلی ممنونم. مبارزه یک راه طولانی است برای آزادی و برای گرفتن عدالت اجتماعی باید رزمید. در افغانستان عدالت اجتماعی، آزادی، برابری و دموکراسی همه اش تحت عنوان سرمایه داری است یعنی فریب بزرگی که جامعه افغانستان و مردم افغانستان را به خصوص زنان را مسموم میسازد و ساخته است. افغانستان اشغال شده، افغانستانی که ۴۶ مملکت امپریالیستی آزادی این مردمی که واقعاً رزمیده و رزمنده اند گرفته اند. البته در ظاهر سمبول های را می بینیم که افتخار آنها دولت دست نشانده افغانستان دارد، ولی در عمل وقتی می بینیم در افغانستان اسارت به شکل ۹۹ در صدش وجود دارد، بخصوص زنان در اسارت زندگی می کنند، بخصوص زنان زیر ستم زندگی میکنند، بخصوص زنان هرروز اسیر خشونت هستند، بخصوص زنان در این جامعه و در خانه ها اسیر اند. بخاطر این اسارت ما موظف هستیم که برای آزادی برزمییم

و برای آزادی جان ببازیم و برای آزادی، انقلابی را به وجود بیاوریم که این انقلاب راه شکوهمندی خواهد بود برای آزادی واقعی زنان. من بعد از مدت های طولانی در افغانستان از یکطرف خیلی خوشحال هستم که در کنار زنان ستمکش، در کنار زنان کارگر، در کنار زنان اسیر، در کنار زنانی که بیوه هستند، در کنار دخترانی که واقعاً که ستم می برند، در کنار دخترانی که واقعاً رنج دیده اند، هستم از یک نگاه خوشحال هستم، از یک نگاه رنج شما زنان، درد شما بیوه زنان، درد شما یتیمان، درد شما رزمندگان درد من و درد زنان جهان است و بخاطر از بین بردن این زنجیر های اسارت من و شما در دنیا تنها نیستیم، زنان هستند در جهان و در دنیا و در کنار شما در کوه و برزن می رزمند، و برای آزادی جان باخته اند و جان خواهند باخت. فلهمذا این رزمنده کی و این مبارزه افتخار بزرگی برای جهان آزادی شما زنان است. ببخشید من آرزو نداشتم که صحبت کنم و یا اینجا سخنرانی و یا مقاله ای بخوانم. فقط خواستم که از طرف زنان هشت مارچ ایرانی افغانستانی در سطح اروپا برای شما سلامی آنها را بفرستم. هم پیوندی و هم پیمانی آنها اعلان

فریب بدهند. زنان اگر در هر گوشه ای دنیا هستند بلاخره زیر ستم هستند و این ها همه درد دارند که ستم یعنی چه و از زیر چنین ستم به چه شکلی باید بیرون رفت. فلهذا مبارزه راهی هست راه انسانی، راه انقلابی، راه آزادی، راه عدالت اجتماعی، راه دموکراسی و راه رزمندگی که واقعاً زندگی اصیل و زندگی اجتماعی را به وجود خواهد آورد. ما در این راه قربان شده ایم و در این راه قربان شده خواهیم رفت و تشکر می کنم از رفقای که در این جا حضور دارند، ببخشید کمی حضور ذهن ندارم برای اینکه در افغانستان رنج زیاد است هر لحظه ای که من قدم میگذارم و هر کجاییکه می بینم فقط رنج می بینم، رنج شما را من همیشه احساس کردم، در مدت های طولانی که اینجا نبودم با رنج شما در خارج از کشور زندگی کردم، لحظه ای زندگی خود را بدون شما سپری ننموده ام و در راه مبارزه تا جاییکه جان داشتم و توان داشتم حرکت کردیم بعد از این هم با شما خواهیم بود و دسته هشت مارچ را آرزو می کنم که به سازمان هشت مارچ به زود ترین فرصت تبدیل شود. تشکر می کنم، موفق باشید، من در کنار شما همیشه هستم تا دیدار آینده

کنم یعنی تمام زنان هشت مارچ برای پشتیبانی زنان دسته هشت مارچ و زنان ستمکش افغانستان مبارزه می کنند و می رزمند، هم رزم شما هم چنان خواهند بود و بودند و این پیام سازمان هشت مارچ است که در این روز هشت مارچ برای شما تقدیم نمایم و من بسیار خوشحال هستم که من به تاریخ سپرده شدم و به گذشته رفتم. امکان دارد که مدت طولانی زنده نباشم که این رزم جهانی را و یا این آزادی اصلی را واقعاً زیر بیرقش برزیم و یا زندگی نمایم. ولی حاصل دست مبارزین را می بینم که شما نونهالان جوان زن و دختر و پسران جوانی هستید بیرق را که ما در پنجاه سال سابق بلند کردیم روی زمین نگذاشته و پرچم را با تمام قدرت و با تمام توانایی و مبارزه بردوش گرفته در راه انقلاب سریعاً و سریعاً حرکت نمایید. خوشبختیم که نسل جوان نیروی جوان بخصوص زنان و دختران افغانستان حداقل به این آگاهی رسیده اند که بدون مبارزه آزادی بدست نخواهد آمد و برای این آزادی برزیم و برزیم تا آزادی را بچشیم و آزادی را لمس کنیم. این جهان که همه زنانه را در زیر ستم و در زیر استثمار خورد کرده، ولی کور خوانده اند که زنان را

تشکر از خانم خارا.

از کیست که استعمار دوام می یابد؟

از ما

از کیست که استعمار معدوم میشود؟

باز هم از ما

اگر از پای افتاده ای برخیز

اگر شکست خورده ای باز بجنگ!

انکس که جایگاه خویش را شناخت،

چگونه می توان باز داشت؟

چرا که شکست خورده گان امروز فاتحان فردايند

و هرگز «به» هم امروز تبدیل میشود

باز هم از گروه سرود خواهشمندیم که سرود خویش را به سمع شما برساند

سرود ۳

خیز از جای و طلب کن حق خویش
 خواهر من ز چه رو خاموشی
 خیز از جای و طلب کن حق خویش
 از کسانیکه ضعیفت خوانند
 از کسانیکه به صد حيله و فن
 گوشه خانه ترا بنشانند
 تا به کی در حرم شهوت مرد
 مایه عشرت و لذت بودن
 تا به کی همچو کنیز بدبخت
 سر مغرور به پایش سودن
 تا به کی در پی یک لقمه نان
 صیغه حاجی صد ساله شدن
 خیز از جای و بکن ریشه ظلم
 راحتی بخش دل پر خون را
 جهد کن جهد که تغییر دهی
 بهر آزادی خود قانون را

تشکر از گروه سرود.

تک درخت بیشه های انقلاب
 مرده اند اما به ظاهر زنده اند
 بد سرشت و مضحک وبی مایه اند
 گرگ ها را باز در بر میکشند
 آتش آفت میکند بر خشم شان
 دشمنان آبروی میهنند
 با نیاز ریشه ها بیگانه اند
 ازسرف عاری بسان کرگس اند

های بانوی شگرف آفتاب
 دشمنانت هم چنان شرمنده اند
 دشمنانت کوچک و بی مایه اند
 از میان جهل خنجر میکشند
 آشتی با کس ندارد چشم شان
 دشمنانت روشنی را دشمنند
 با خیال بیشه ها بیگانه اند
 دشمنانت دلکان سرکس اند

پیکر شهنامه را بشکسته اند	قامت شهنامه را بشکسته اند
دشمنانت از قماش گژدم اند	قاتل اندیشه های مردم اند
آب ها را یک قدم گل کرده اند	در حریم جهل منزل کرده اند
چشم ها تان با سحر بیگانه باد	باغ ها تان با ثمر بیگانه باد
های بانوی شگرف خاوران	آخرین شعر سپید آسمان
در صدایت واژه ها معنی گرفت	دامن اندیشه ها پهنا گرفت
رهروانت همچنان با ملت اند	قله های استوار همت اند
باغ گل‌های بهار اگینه اند	از تبار رستم و تهمینه اند
وقتی رفتی آسمان خون می گریست	مردم نیک جهان خون می گریست
در صدای خلق بالان زنده ای	در نفس ها بهاران زنده ای
هر نگاهت پرچم آینده باد	راه و رسم روشنت پاینده باد

در این قسمت محفل خواهر مان فروغ جان قطعه نامه دسته هشت مارچ زنان افغانستان را به خوانش میگیرد. الی آمدنش تشویق نماید.

قطعه نامه دسته هشت مارچ زنان افغانستان

همانطوریکه ستم جنسی با ستم طبقاتی گره خورده است و یا به عباره دیگر همانطوریکه ستم طبقاتی منشا ستم جنسی است، به همان شکل ستم جنسی با ستم امپریالستی نیز گره خورده است. زنان مبارز و آگاه باید بدانند که از بین بردن ستم جنسی بدون از بین بردن ستم طبقاتی و ستم امپریالستی غیر ممکن است.

طوریکه شما خود شاهد هستید از زمانیکه اشغالگران امپریالست کشور ما را اشغال نموده اند تا کنون علاوه بر اینکه خشونت علیه زنان کم نگردیده، بلکه روزبه روز افزایش یافته است. زنان در طول این مدت به انواع و اشکال خشونت ها روبرو اند. نه تنها این خشونت ها بر زنان در خانواده اعمال می گردد، بلکه بیرون از خانواده در جامعه از طرف قلدردمنشان مورد آزار و شکنجه قرار گرفته اند. تجاوز و به قتل رساندن شکایلا از طرف واحد بهشتی در بامیان، تجاوز به دختر ۱۵ ساله در ریاست امور زنان در ولایت دایکندی، شلاق زدن دختر جوان در ملع عام در ولسوالی جاغوری ولایت غزنی از طرف باشی حبیب ولسوال رژیم پوشالی و ملا مسجد و صدها مثال دیگر گویای آنست که اشغالگران امپریالست و رژیم پوشالی حامی ستم بر زنان اند. زنان بدون بیرون راندن اشغالگران امپریالست و سرنگونی رژیم پوشالی هرگز از این ستم نجات پیدا نخواهد کرد.

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان" در جهت تحقق بخشیدن به آرمان والای خویش خواست های فوری و دموکراتیک خویش را بدین شرح طرح می نماید و تا زمانیکه این خواست ها تحقق نیابد از پای نخواهد نشست:

1. اخراج بدون قید و شرط قوای اشغالگر،
2. لغو ازدواج های اجباری؛
3. لغو نکاح صغیره؛
4. تامین آزادی های سیاسی و مدنی افراد، هر فرد باید حق داشته باشد در هر مورد ابراز عقیده نماید؛

5. ایجاد زمینه اشتغال به کارگران و دفاع از حقوق حقه شان؛
 6. ایجاد شرایط مساعد تحصیلی برای تمامی فارغان صنوف دوازدهم و بخصوص دختران؛
 7. ایجاد کودکانستان های دولتی که بودجه آن از طرف دولت پرداخته شود؛
 8. مزد برابر در مقابل کار برابر؛
 9. فرصت شغلی و تحصیلی برای زنان؛
 10. اشد مجازات برای کسانی که مرتکب تجاوزات جنسی می شوند؛
 11. محاکمه علنی کسانی که به خشونت علیه زنان مبادرت می ورزند؛
 12. تساوی حقوق زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛
 13. روز هشتم مارچ باید به عنوان یک روز قانونی به رسمیت شناخته شده و رخصتی عمومی اعلام گردد.
- سیزده ماده فوق از جمله مطالب عاجل و دمکراتیک ماست، تا زمانیکه این خواست ها تحقق نیابد ما به مبارزات خود ادامه می دهیم.

خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در امر انقلاب رها سازیم!

زنده باد آزادی!

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

پنجشنبه ۱۷ حوت ۱۳۹۱

حضار نهایت گرامی از اینکه در محفل هشت مارچ روز جهانی زن اشتراک نموده اید جهانی سپاس، امید است که از این پس با حضور گسترده شما عزیزان بهتر بتوانیم گامی به جلو گذاشته و در راه احقاق حق خویش علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده و تمامی کسانی که به نحوی از انجا حامی ستم بر زنان اند متحد شده و با جدیت هرچه تمامتر این مبارزه را به پیش ببریم، و تا انجا پیش رویم که دیگر نشانی از ستم باقی نماند.

آزادی بدون مبارزه جدی علیه اشغالگران و نوکران بومی شان به دست نمی آید. زیرا آزادی تحفه نیست که اشغالگران و میهن فروشان به ما اعطا نمایند. همانطور که در هیچ جای دنیا آزادی به شکل تحفه به زنان اهدا نگردیده، بلکه از طریق مبارزات گسترده و خونین زنان به دست آمده است، افغانستان نیز پدیده مستثنی نیست.

در این جا محفل ما نیز به پایان می رسد، یک بار دیگر جا دارد تا از شما عزیزانیکه در محفل ما شرکت نموده اید تشکر نماییم و اگر باکمبود و کاستی ها مواجه شده اید امید است که با رهنمود های دوستانه شما بتوانیم این کمبود و کاستی ها را بر طرف نماییم. تشکر از شما روز همه شما خوش.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

پنجشنبه ۱۷ حوت ۱۳۹۱

نگاهی به تجلیل از روز جهانی زن

اخگر

دسته هشت مارچ زنان افغانستان بعد از ظهر روز پنجشنبه ۷ مارچ ۲۰۱۳ طی محفلی از روز جهانی زن تجلیل به عمل آوردند. این محفل دارای ویژه گی های مثبت زیاد بود که بد نیست به آنها اشاره گردد.

زنان و دختران جوان و نو جوان در این محفل به سخنرانی، خواندن مقاله، اجرای سرود با موسیقی و نمایش رزمی شتوکان پرداختند که با کف زدن های پر شور اشتراک کننده گان مورد تشویق قرار گرفتند. این محفل در حدود سه ساعت به طول انجامید و در حدود دوصد نفر اشتراک نموده بودند و محفل با صدور قطع نامه ای به پایان رسید.

به صورت کل دید دسته هشت مارچ زنان به خشونت علیه زنان و ستم شدید جنسیتی علیه آنها در مقایسه با دید نهاد های مدافع حقوق زنان که از سال ۲۰۰۱ به این سو به فعالیت آغاز کرده و سر و صدا های شان در رسانه ها گوش زمین و زمان را کر کرده است به مراتب عمیق و اساسی به نظر میرسد و تفاوت های چشمگیری دارد. آنها در مقالات که خواندند جامعه افغانستان را یک جامعه نیمه فیودال و مستعمره دانستند و ریشه مرد سالاری، خشونت علیه زنان و ستم شدید جنسیتی را با مناسبات و روابط تولید حاکم در افغانستان و ستم طبقاتی پیوند دادند. مناسباتی و روابط که به نظر آنها جامعه را به طبقات ستمگر و ستمکش تقسیم نموده اند و توسط نظام حاکم و قوت های اشغالگر به رهبری ایالات متحده آمریکا با شوق تمام و علاقه مندی خاص حمایت و تقویت میگردد.

دسته هشت مارچ در مقالات شان به نکات ظریفی اشاره نمودند از جمله آنها عشق و محبت های مروج را و اینکه بهشت زیر پای مادران است از جمله فریب های بزرگی خواندند که برای تحمیق زنان به کار گرفته می شوند و زاده مناسبات و روابط تولیدی حاکم بر جامعه می باشد.

آنها برای اثبات این ادعا که نظام موجود و قوت های خارجی مستقر در این سر زمین فقط تأمین حقوق زنان را شعار می دهند ولی در عمل برای دوام آن تلاش می ورزند به قتل زنان در مناطق مختلف، تجاوز و آزار

جنسی زنان در خانه های امن و ادارات دولتی و عدم مجازات عاملان قتل و تجاوز ها یاد کردند.

راه حل که دسته هشت مارچ زنان پیشنهاد کردند اتحاد زنان برای مبارزه با عوامل اصلی مرد سالاری، خشونت ها و ستم شدید جنسیتی بود. آنها گفتند تا مناسبات و روابط تولید حاکم بر جامعه بر انداخته نشوند زنان هم چنان مورد خشونت، آزار و تجاوز جنسی قرار می گیرند و عاملان قتل و تجاوز ها با خاطر آسوده و آرام به این جنایات ضد بشری ادامه می دهند. آنها علاوه کردند که این بر اندازی ممکن نیست مگر با بیرون راندن قوت های اشغالگر به رهبری آمریکا و بر اندازی رژیم دست نشانده آنها؛ زیرا نظام حاکم با تمام ساز و کار های قانونی و غیر قانونی اش با پشتیبانی و حمایت مالی و تبلیغاتی قوت های اشغالگر در جهت تقویت و تداوم عواملی تلاش می ورزند که خشونت و تجاوز جنسی بر علاوه فجایع دیگر یکی از پیامدهای آن می باشد. آنها گفتند ولی فراموش نباید کرد که این بیرون راندن و بر انداختن بدون مبارزه و مقاومت مردمی و انقلابی توهمی بیش نیست.

نهاد های رسمی مدافع حقوق زنان که شمار شان کم نیستند و با پول های کلان و دفاتر لوکس برای محو خشونت کار می کنند مرد سالاری و سنتی بودن جامعه را از عوامل اصلی خشونت علیه زنان می دانند و اینکه دلیل دوام مرد سالاری و سنتی بودن جامعه چیست؟ هیچ توجه نمی کنند. تا جاییکه در طول یازده سال گذشته دیده شده است این نهاد ها بیشتر کار های موقتی و بیشتر تبلیغات رسانه ای انجام داده که منجر به قهرمان سازی چهره های مشخص گردیده اند ولی در وضعیت زنان افغانستانی در روستاها و شهر ها تغییری بنیادی که عدم خشونت و با اغماض تعدیل ستم جنسیتی را نشان دهد، به چشم نمی خورند. آنها بیشتر به تعلیم و تحصیل زنان و آگاهی آنها تأکید دارند در حالیکه زنان تحصیل کرده و آگاه که با قدرت در ارتباط نیستند نیز به شدت از انواع خشونت ها و تجاوز رنج می برند و حتی برای فرار از آن به خود سوزی روی می آورند.

(بخش دوم)

گزارش مراسم تجلیل از روز جهانی زن در شهر

پایان رسید. در پایان محفل قطعنامه چاپ شده در میان مهمانان توزیع گردید و هریک از مهمانان به اندازه مورد نیازشان از قطعنامه را با خود گرفته و از تالار بیرون شدند.

محفل تجلیل از مراسم روز جهانی زن در شهر با شور وصف ناپذیر انقلابی اعضاء و هواداران دسته هشت مارچ زنان افغانستان و روحیه خوب مهمانان شرکت کننده همراه بود. بطور کل میتوان گفت که تمام شرکت کنندگان محفل در قبال موضعگیری های ضد اشغال و تجاوز و رژیم دست نشانده و موقعیت اجتماعی زنان در جامعه مستعمره - نیمه فئودال افغانستان و راه مبارزه علیه بیدادگری های اجتماعی ناشی از اشغال و تجاوز و سلب استقلال و آزادی های مدنی، موضع مشترک و مبارزه جویانه داشتند و در ضمن تا حدی ابراز تشویش نیز میکردند.

یوم جمعه مورخ ۸ مارچ ۲۰۱۳ محفل روز جهانی زن توسط اعضای دسته هشت مارچ زنان افغانستان در شهر بصورت نیمه علنی دایر گردید. درین محفل حدود ۱۵۰ نفر در آن شرکت نموده بودند که از ساعت ۲ بعد از ظهر به تالار دعوت شده بودند ولی نظر به سرمای هوا و ریزش برف این محفل تقریباً نیم ساعت به تعویق افتاد تا تعداد شرکت کنندگان محفل تکمیل گردد. محفل تجلیل روز جهانی زن راس ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر رسماً توسط خانم نرگس رهیاب آغاز یافت و تا ساعت ۴:۳۰ عصر دوام کرد. چون مراسم روز جهانی زن بود بدین مناسبت پذیرائی از زنان و مهمانان شرکت کننده در تالار توسط مردان صورت گرفت.

محفل تجلیلیه روز جهانی زن در شهر با افتتاحیه، تاریخچه هشتم مارچ، مقالات متفاوت، سخنرانی، دکلمه، سرود، داستان و شعر همراه شد و نهایتاً با قرائت قطعنامه دسته هشت مارچ زنان افغانستان به

نیروی عشق و الفت و ایمان و باوریم
در موج موج مهر و صداقت شناوریم

ما دختران چشمه ی خورشید خاوریم
با قلب داغ دیده چه آرام و با شکیب

پیوسته بوده باده ی حسرت به جام ما
جز این نبوده قصه ی هر صبح و شام ما

از کودکی به زهر بیالوده کام ما
داغ حصار و زخم کمند و سکوت تلخ

مهمانان عزیز القدر و حضار نهایت گرامی مقدم شمارا به محفل تجلیلیه روز جهانی زن در شهر خیرمقدم عرض میدارم. دوستان عزیز ما برنامه داشتیم محفل تجلیلیه روز جهانی زن را ساعت ۲ برگزار کنیم منتهی نسبت به سردی هوا و ریزش برف به این خاطر برنامه نیم ساعت به تعویق افتاد که امید است عذر ما را بپذیرید. برای اینکه محتویات برنامه را به اطلاع تان برسانیم از خواهر عزیز ما **نرگس رهیاب** تقاضا میکنم که افتتاحیه محفل را به سمع شما برساند و محفل را رسماً افتتاح کنند.

افتتاحیه

نرگس رهیاب

آه ما دود کبود سینه بریان ماست

اشک ما آینه دار شعله پنهان ماست

آبپارکشتزار و آتش سوزان ماست

داغ ما در دشت های دردنا پیدای ما

شورما فریاد ماغوغای ما افغان ماست

شعر ما دریاچه های دره های تنگ دل

حُسن بیرنگی که بیرون است از قید جهان
 موج از خود رفته را در بحر پیدایی مجو
 گردش چشمان مست آسمانی رنگ تو
 روشنی و گرمی و نرمی فانوس دلت
 زنده و تابنده بادا عشق کاندز روزگار

جلوه گرد رخلوت آینه حیران ماست
 عکس ما در چشمه سار دیده یاران ماست
 در سپهر آرزو هنگامه دوران ماست
 در محبت شمع سبز جان بیجانان ماست
 پاسدار داغ و درد ورنج بی پایان ماست

خانمها و آقایان درود و سلام بر شما

دسته هشت مارچ زنان افغانستان مانند سالهای گذشته امسال نیز روز جهانی زن را تجلیل می نماید. تشریف آوری تمامی دوستان حاضر را در این محفل خوش آمدید می گوئیم و آرزو مندیم تا ختم محفل ما را همراهی نمایید. محفل امروزی ما شامل: مقالات، اشعار و سرود می باشد که به سمع شما خواهد رسید. امید مورد توجه شما قرار گیرد. این شما و این هم محفل امروزی ما

تشکر از خواهر عزیز ما **نرگس رهیاب!**

دنیا اگرچه آینه ی درد و داغ ماست
 تابنده از لطافت و آیین دوستی

دیگر به بند شب نتوان بست پیمان
 دوشیزگان گلشن آزاد میهنی م

شمع خرد به ظلمت توفان چراغ ماست
 آگنده از شمیم محبت دماغ ماست

قفل سکوت زد به طنین صدایمان
 تازهره پر کشیده هوای همایمان

همانطوریکه در افتتاحیه محفل نیز یادآور شدیم، محفل امروزی مان را تدارک دیدیم تا صدای در گلو خفته زنان ستمدیده این دیار را با مسئولیت هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم و توانسته باشیم حداقل دین خود را اداء نماییم.

به این خاطر بیشتر ازین شما را منتظر نگه نمیداریم و در آغاز محفل از خواهر عزیز خود **آیدا دانش** تقاضا میکنم که ، تاریخچه " ۸ مارچ " را به خوانش بگیرد. تا آمدن شان تشویق بفرمایید.

تاریخچه هشتم مارچ روز جهانی زن

آیدا دانش

اگر به تاریخ مبارزات نظراندازیم می بینیم که در صفحات آن روزهای بیدماندنی وجود دارند، روزهاییکه به عنوان نشانه و مظهر هر مبارزه در تاریخ مبارزات ثبت شده و به مظهر و فراخوان مبارزه تبدیل میشوند. هشتم مارچ نیز یکی از همین روزهای تاریخی است که بنام روز جهانی زن در تاریخ مبارزات جهان ثبت گردیده است. سرآغاز تاریخی روز جهانی زن، هشتم مارچ ۱۸۵۸ می باشد. در این روز، زنان کارگر پارچه باف در آمریکا علیه شرایط سخت کار، ساعات طولانی کار، دستمزد اندک، استثمار شدید و محرومیت از هر گونه امکانات رفاهی بر علاوه وظیفه نگهداری و بزرگ کردن فرزندان و کار بردگی خانگی در خدمت شوهران و مردان خانواده به جاده ها ریختند و خواهان حقوق برحق شان گردیدند. پولیس این تظاهرات را به شکل بیرحمانه سرکوب نمود. عده زیادی

زنان کشته شدند و تعداد زیاد نیز دستگیر گردیدند. خاطره این تظاهرات پنجاه سال بعد در سال ۱۹۰۷ بازم با گردهمایی گسترده تر زنان آزادیخواه و روشنفکر دوباره زنده گشت. دیدگاه گزینش روزی به عنوان "روز زن"، نخستین بار در جریان مبارزات زنان نیویارک با شعار "حق رای برای زنان" مطرح شد و توانست توده وسیع زنان را از اقشار و طبقات گوناگون گردهم آورد و زنان در پشت این شعار در تلاش به رسمیت شناساندن هویت اجتماعی و انسانی خویش بودند و واقعیتهایی که در نظامهای طبقاتی مردسالار، قرن ها نادیده گرفته شده بود. دومین کنفرانس زنان سوسیالیست در سال ۱۹۱۰ به مسئله تعیین روز جهانی زن پرداخت و کنفرانس تاریخ برگزاری نخستین مراسم "روز زن" را ۱۹ مارچ ۱۹۱۱ تعیین کرد. تمام سرک های آلمان، اتریش، سوئیس و دنمارک به مارش

قدرتمند زنان به لرزه درآمد. در سال ۱۹۱۳ پیشرفته نیز جنبش ها و مبارزات انقلابی و "دبیرخانه بین المللی زنان" هشتم مارچ را به یاد مبارزه زنان کارگر نساجی در امریکا به عنوان "روز جهانی زن" برگزید در همان سال زنان زحمتکش، روشنفکر و انقلابی در روسیه تزاری و سراسر اروپا؛ مراسم هشتم مارچ را به شکل تظاهرات و همایش های وسیع برگزار نمودند. در سال ۱۹۲۱ کنفرانس زنان انترناسیونال سوم در مسکو برگزار شد و روز هشتم مارچ را بنام روز جهانی زن به تصویب رساندند. از اواسط دهه ۱۹۳۰ برگزاری تظاهرات روز جهانی زن در کشورهای که تحت سلطه فاشیزم بودند غیرقانونی اعلان شد و با وجود آن در هشتم مارچ ۱۹۳۶ زنان در برلین و شهر مادرید اسپانیا تظاهرات کردند و جهانیان را به دفاع از حقوق زنان فراخواندند. در دهه ۱۹۶۰ در کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین جنبش های رهایی بخش بپا خاسته بودند در کشورهای سرمایه داری

مبارزات زنان توانست در برخی کشورها دستاوردهایی را کسب کند و در برخی کشورها ماندگار گردد. جنبش رهایی زنان نمی توانست از جنبش عمومی انقلاب جدا بماند در هشتم مارچ ۱۹۶۹ زنان امریکا در دانشگاه برکلی گردهم آمدند و علیه جنگ تجاوزکارانه یانکی های امریکایی در ویتنام تظاهرات نمودند و در چنین شرایط دولت های سرمایه داری مجبور بودند در مقابل جنبش رهایی زنان به تدابیر و حیل گری ها متوسل شوند و در

نتیجه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۵ هشتم مارچ را به مثابه روز جهانی زن به رسمیت شناخت.

اما اجرای مراسم قلبی و فرمایشی "روز زن" و حرکت های دیگری که از آن پس، توسط ستمگران به اصطلاح در حمایت از زنان برگزار شده و می شود هیچگاه نتوانسته و نخواهد توانست اهمیت و جایگاه واقعی هشتم مارچ را بیان دارند. در کشور اشغال شده ما که نیروهای متجاوز خارجی با شعارهای کاذب و فریبنده آزادی و حقوق زنان و غیره حاکمیتی دست نشانده را تشکیل داده اند و هر روز برنامه های فریبنده در مورد مسایل زنان دارند جز فریب چیزی بیش نیست.

دولت موجود نیز، حاکمیتی زن ستیز است که از نگاه ماهیت اش هیچ فرقی با اسلاف اش ندارد زیرا روزانه در گوشه و کنار کشور شاهد خشونت، قتل، خودسوزی، فرار از منزل، تجاوزجنسی و انواع شکنجه بر زنان هستیم که دولت پوشالی نه تنها عاملین آنرا

مجازات نمیکنند بلکه قربانی اصلی زنان هستند. در چنین شرایطی دولت مزدور روز جهانی زن را نیز تجلیل می نماید اما تجلیل روز جهانی زن و نهادهای وابسته به دولت جز فریب و پوشاندن ستم بر زن در کشور ما چیزی بیش نیست. دولت در روز جهانی زن با اجرای نمایش های مضحک و دادن تحفه ها به چند زن وابسته و مزدور میخواد نشان دهد که زنان در این کشور دارای حقوق و آزادی هستند. اما واقعیت به گونه دیگری است. هشتم مارچ و مبارزه بر حق زنان در کشور ما در پرتو مبارزات برحق تمام توده های کشور برای بیرون راندن اشغالگران و رژیم پوشالی معنی و مفهوم واقعی خود را پیدا خواهد کرد.

"هر روز را هشت مارچ بسازیم و هشت مارچ را در هر روز سال زنده کنیم"

با تشکر از خواهر عزیز ما **آیدا دانش!**

ای سرو برازنده باغ وطن! ای زن!

ای طائره افتاده بدام محن! ای زن!

هر غنچه بشکفته بطرف چمن از توست

آزاده گی مرد زبند رسن از توست

اطفال تو را جامه و پیرایه به تن نیست

از بهر تو جز لخت جگر قوت بدن نیست

برخیز و زفریاد جهان را تو خبر کن

کاخ ستم از آه و فغان زیر وزبر کن

وی شمع فروزنده هر انجمن! ای زن!

بگشای پر و بال و قفس برشکن ای زن!

هر لاله که روئیده بدشت و دمن از توست

ای مادر گلگون کفن و وطن! ای زن!

بیمار تو را چاره بجز گور و کفن نیست

ای گرسنه مضطر و عریان بدن ای زن

وز نعره مردانه تو گوش همه کرکن

این است پیام من و ختم سخن ای زن

درین قسمت از محفل از خواهر عزیز خود **رویا صمیم** تقاضامندم تا دکلمه ای را که حاضر نموده خدمت شما ارائه بدارد. تا آمدن شان تشویق بفرمایید.

صدای فریاد

کیم من؟

دردمندی ، ناتوانی

اسیری ، خسته ائی، افسرده جانی

تذروی آشیان برباد رفته

ویا افتاده ائی از یاد رفته؟؟؟

منم غوغا!!

منم فریاد!!

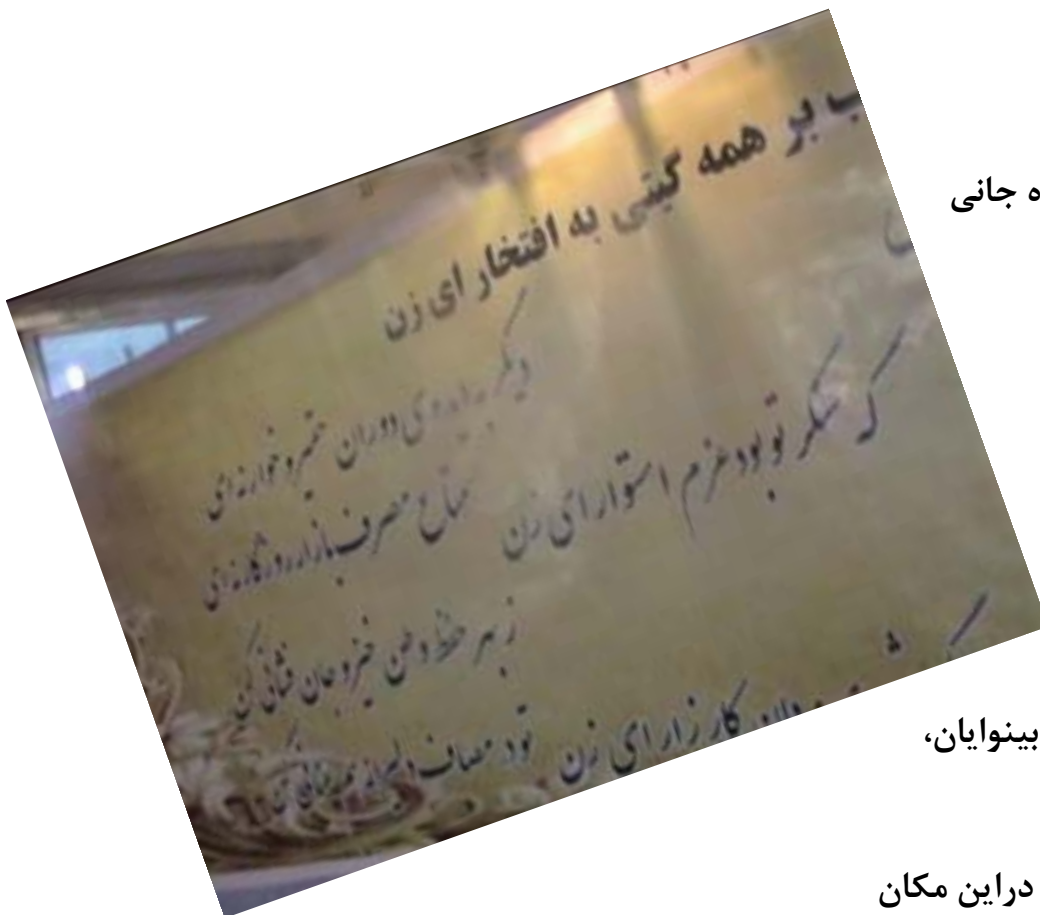
منم ، آن بانگ خسبیده

منم، اینک صدای ناله های بینوایان،

که دارند دردوماتم

وز برای زیستن در این زمان در این مکان

چون آن کبوترهای تیرخورده



همانا باتنی خسته ، زروی جبر!
بروی بستر سرد طبیعت باز غلطیده

منم غوغا!!

منم فریاد !!

منم ، آن بانگ خسبیده

منم ، اینک صدای ناله های هر چه دهقان است

ویا آن کارگرمسکین

ویا آن مردمی کز رنج می نالند

ولی -

افتان وخیزان چون غباری در بیابانی

گهی خاموش وحیران چون گاهی بر نظر گاهند!

منم فریاد

منم آن دختری کز رنج و درد و ناله و اندوه

دارم عقده هائی در گلو بسیار

منم آن مرد مردم خواه که که رنج زندگی دیدم

و دارم عقده ها، از درد و رنج

مردم مسکین

زدرد مردم غمگین

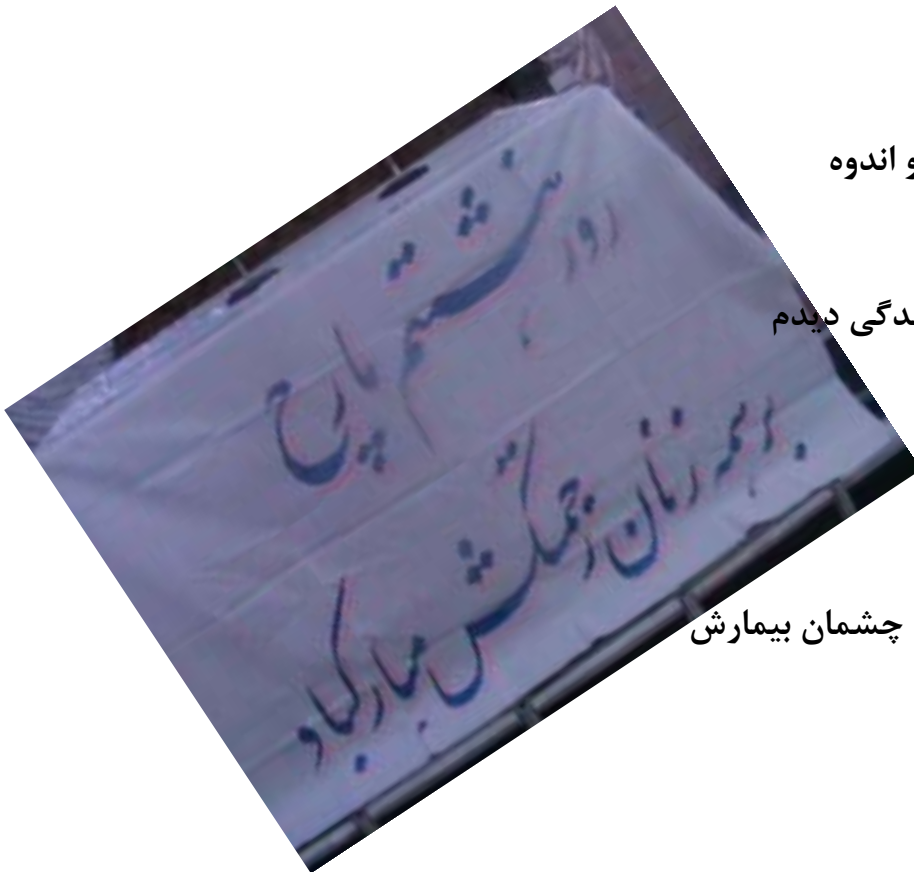
ویا هر کس که آن گرد تکدر بسته آن چشمان بیمارش

و آن انسان

که رنج زندگی دیده

تحمل کرده تا اکنون

زروی فقرو بدبختی



بروی دشمنانش بسته آن چشمان بینا را!

منم، من زاده آن غم

ولی گردیده ام آگاه

مسیر زندگی بر من نموده راه راهموار

به سوی یک هدف برپیش

که بشکافم

ویادرهم زخم

آن قفل های کهنه دیرین

و یا آن ناله های در گلو خسبیده دیرین

ویا خسبیده بانگ ناله های بینوایان را

ویا درهم زخم اینک -

صدای شیون و زنجیر و قید کنج زندان را



با تشکر از خواهر عزیز ما **رویا صمیم!**

امروز زهر عاطفه محروم تویی تو

در بند ستم بندی محکوم تویی تو

با آنکه تو خود مظهر مردان دلیری

تا چند بسر پنجه بیداد اسیری

برخیز و زفریاد جهان را تو خبر کن

کاخ ستم از آه و فغان زیر وزبر کن

در ورطه هر فاجعه مظلوم تویی تو

از ضربت چوب و لگد آزرده تن ای زن

پنهان به پس ابر چو خورشید منیری

با غصه و اندوه شدی مقتدرن ای زن

وز نعره مردانه تو گوش همه کرکن

این است پیام من و ختم سخن ای زن

درین قسمت از محفل از خواهر عزیز خود **مرسل نبرد** تقاضا میکنم که تشریف آورده و مقاله ای که آماده نموده به سمع شما برساند. تا آمدن شان تشویق فرمایید.

فراخواندن زنان به دور یک خط انقلابی

به پا خیز دختر افغان

که تو امید فردائی

بیا در بستر جبهه

که تو طوفان دریایی

بکوب آن لانه دشمن

کجا تا کی میماند

نترس از این رذالت ها

اگر فرزند افغانی

درود بر میلیون ها زن جهان، بویژه زنان افغانستانی که جنبش رهائی زنان از قید هرگونه ستم را شجاعانه براه انداخته اند و علیه هرگونه ظلم و اوضاع ناهنجاری که میلیاردها زن را از حقوق شان محروم ساخته و آنها را در عقب دیوارها، در اسارت نگه داشته است، میرزمند. رزمندگانی که درین راستا بسیج گردیده اند و علیه هرگونه ظلم و زن ستیزی بپا خاسته اند.

و آنها موجودات ناقص العقل به حساب می آیند. در حالیکه از لحاظ علمی به اثبات رسیده که زنان هیچگونه کمبودی و کاستی ای مانند کمبود دماغی و یدی ندارند. آنها از استعدادها و توانمندی هائی که در مردان دیده میشود، بی بهره نیستند و به قدر کافی برخوردار اند، اما اینگونه برخوردهای غیر انسانی در چنین جوامعی در مورد زنان شایع و بر سر زبانهاست.

بله، دوستان عزیز!

واقعیت ها و تاریخ جوامع نشان میدهد و گویای این حقیقت اند که تا وقتی طبقات کرکتر واقعی جامعه را میسازد، میلیاردها زن در زیر بار ظلم و ستم بسر می برند، علیه آنها تبعیض جنسی و ستم مردسالارانه اعمال میگردد و محرومیت از تمامی حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر آنها تحمیل میشود و زنان از شرکت فعال در این عرصه ها محروم می مانند. تمام این واقعیت های تلخ ریشه در مناسبات ظالمانه اجتماعی و تولیدی دارد. در کشور های عقب نگه داشته شده و موجودیت حاکمیت هائی با ماسک دروغین دموکراسی و آزادی، حتی اهانت و حقارت نسبت به زنان روا داشته میشود

قابل یادآوری است که در کشور ما افغانستان در طی مدت سه دهه جنگ و در زیر سلطه نظام هائیکه با زور سرنیزه و سلطه اجانب بوجود آمده، چه در جنگ های ارتجاعی هستی برانداز خانمانسوز داخلی، و چه در جنگ های اشغالگران کشورهای متجاوز و تا همین اکنون که بیش از ده سال است که کشور تحت اشغال کشور های امپریالیستی به سرکردگی امپریالیزم لجام گسیخته امریکا قرار دارد، زنان افغانستانی در تمام عرصه های زندگی از حقوق شان محروم میباشند. شعار " آزادی زنان " و " مبارزه علیه تروریزم " دیگر به نجوانی میماند که گوش هر شنونده را کر نموده و هر

زنان و مردان غیور!

دسته هشت مارچ زنان افغانستان آرزومند است تا جنبش رهائی زنان در سطح جامعه علیه هرگونه ستمگری ها ، طیف وسیعتری به خود اختیار نماید. بناء توقع ما از آنده زنان و مردان مبارز و رزمنده ای که خواهان رهائی شان از زیر بار اسارت و بردگی و یوغ استعمار هستند، این است که صرفا به کار یک روزه مراسم های تجلییه هشت مارچ اکتفاء ننموده و بیایند تا دست در دست هم و پا به پای هم هشتم مارچ را در هر روز سال زنده کنیم و برای اعتلای یک جنبش وسیع زنان مجدانه به پیش رویم.

زنده باد استقلال، زنده باد آزادی

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان!

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

شخصی را که از حالت فعلی کشور و مردمان کشور با خبر است به خنده می آورد. کشورهای امپریالیستی با به روی کار آوردن حاکمیت دست نشانده شان در افغانستان گرچه توانسته اند عده ای از زنان را به پای میزهای پارلمانی، ریاستی و غیره بکشانند، اما اینکه وضعیت زنان از قبل بدتر گردیده بر هیچکس پوشیده نیست و امروز کمتر کسی است که پیرامون حق تلفی زنان در شرایط کنونی نداند!

لذا بر ماست که صفوف فشرده زنان و دختران جوان را در افغانستان مساعد نموده ، آنها و سایر زحمتکشان را به دور یک خط انقلابی بر محور مقاومت همه جانبه ملی ، مردمی و انقلابی در امتداد زمان بخاطر رهائی شان از قید ظلم و ستم و استثمار فراخوانیم، تا باشد که از این طریق کاخ هرگونه ظلم و ستمی را که زنان رنج دیده افغانستان و جهان را به بردگی می کشاند، ویران نموده و بر فراز ویرانه های آن درفش استقلال و آزادی را به اهتزاز در آوریم و جامعه انسانی را بنا سازیم.

با تشکر از خواهر عزیز ما **مرسل نبرد!**

وحشی صفتان حمله براین خانه نمودند

بر لانه مرغان چمنزار غنودند

برخیز و زفریاد جهان را تو خبر کن

کاخ ستم از آه و فغان زیر وزبر کن

از خانه ما آنچه که دیدند ربودند

صد قافله کرگس و زاغ و زغن ای زن

وز نعره مردانه تو گوش همه کرکن

این است پیام من و ختم سخن ای زن

درین قسمت از محفل توجه شما عزیزان را به صحبت های خواهر عزیز ما **افسون پاکزاد** جلب میدارم. لطفا تشویق شان نمایید!

یادم باشد که یک زنم...

از بچگی همیشه خوب به من یادآوری شده که من یک زنم

وقتی چهار ساله بودم وهی میگفتم که بابا چی میشه مرا هم با خود به بازا ببر، پدرم دستی روی سرم میکشید و میگفت دخترم تو نمیتوانی با من بیایی، میگفتم چرا؟ میگفت: اخه تو یک خانمی یک زنی!

وقتی روز اول مکتب آماده می شدم که به مکتب بروم، مادرم یک مقنعه را آورد که این را سرم کنم. گفتم این را به سر خود نمیکنم. مادرم گفت: اخه تو یک خانمی یک زنی باید سرت کنی!

وقتی ۹ سالم شد با مادرم برای اولین بار رفتم مسجد دیدم وسط مسجد پرده کشیده است و مردها آنطرف و زنها این طرف پرده هستند. من پرده را زدم و رفتم کنار برادرم ایستادم برای نماز جماعت ناگهان یک پیرزن مهربان صدایم کرد و گفت: دخترم شما باید اینجا ایستاد شوی و نماز بخوانی. گفتم چرا؟ گفت: اخه مردها باید جلو باشند و تو یک خانمی یک زنی باید در عقب مردها نماز بخوانی!

بزرگ شدم بزرگ و بزرگ تر

وقتی رفتم دانشگاه روز اول ردیف جلو نشستم استاد آمد و روی به من کرد و گفت خانم میشه بروید ردیف عقب؟ گفتم چرا؟ استاد گفت خانم ها باید عقب بنشینند و آقایان جلو. گفتم چرا؟ استاد گفت: چون شما یک خانم هستید یک زنی!

حالا اینجا این لحظه می خواهم از تمام آنهایی که دوستم داشتن یا نداشتن به خاطر این که اجازه ندادن من یه لحظه در زندگی ام یادم بره که یه زنم تشکر کنم

اما ---- اما ---- و اما

به پدرم میگویم آن روز که مرا با خود به بازار نبردی هواست نبود پشت چوکی موترت قایم شده و همراهت به بازار رفتم و تو نفهمیدی

به مادرم میگویم آن روز که مقنعه به سرم کردی، وقتی رسیدم به مکتب مقنعه را از سرم برداشتم ومعلم مهربانم هم نتونست باز سرم کند

به آن خانم مهربان داخل مسجد میگویم، که بداند پس از آنروز من دیگر هیچ وقت مسجد نرفتم

به استادم میگویم از آن روز ما دختران تنها صنفی بودیم که در دانشگاه دخترها جلو می نشستند و پسرها به عقب!

بله دوستان عزیز! من تصمیم خود را گرفته بودم، از هرچه مرا مانع میکردند من خلاف آنرا عمل میکردم زیرا خوب میدانستم که اکثر این قوانین بر ضد پیشرفت و ترقی زنان است و نباید بدان عمل کرد. سپاس از تحمل شما

با تشکر از خواهر عزیز ما **افسون پاکزاد!**

غمخوار ملل بسکه شده کور و کر امروز

جز نام ازو نیست بگیتی خبر امروز

برخیز و زفریاد جهان را تو خبر کن

کاخ ستم از آه و فغان زیر وزبر کن

افسانه شده نام حقوق بشر امروز

گر هست خبر، نیست به جز مکر و فن ای زن

وز نعره مردانه تو گوش همه کرکن

این است پیام من و ختم سخن ای زن

درین قسمت از محفل توجه شما عزیزان را به صحبت های خواهر عزیز ما **تهمینه وفا** جلب میدارم. لطفا تشویق شان نمایید!

متن سخنرانی

تهمینه وفا

افزایش تجاوزات جنسی بالای زنان

بلکه به پوهنتون ها و مکاتب نیز گسترش یافته و حتی متاسفانه مناسبات درون خانواده ها را نیز تا حد معینی آلوده نموده است. چنانچه همه ما بار بار شنیده ایم که دختران از طرف پدران شان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند. یک مورد دیگر از گسترش تجاوزات جنسی بر زنان، تجاوز بر دختران خرد سال است. چنانچه حتی دختران خرد سال پنج ساله دیگر از تجاوزات جنسی مصئون نیستند.

عمق و گسترش فساد جنسی تا این حد نتیجه حضور قوای اشغالگر خارجی و حاکمیت پوشالی رژیم دست نشانده آنها است. آنها که بطور همیشگی از تامین حقوق بشر و تامین حقوق زنان حرف می زنند، بجای اینکه حقوق زنان و امنیت آنها را تامین نمایند، شرایط اجتماعی و خانوادگی ای به وجود آورده اند که دیگر دختران در درون خانواده ها از لحاظ جنسی در امن نباشند و حتی از پدران شان احساس خطر نمایند.

یقیناً ستم جنسی و از جمله تجاوز بر زنان در جامعه افغانستان، همانند سایر جوامع بشری، از ریشه تاریخی طولانی ای برخوردار است. اما تجاوز پدر بر دختر و یا تجاوز بالای دختر ۵ ساله چیز هایی اند که در تاریخ گذشته این جامعه کمتر و به مثابه استثنائات وجود داشته و نه به عنوان یک روند و اخبار روز. ازین جهت

اگر دقیقاً اوضاع افغانستان بررسی شود دیده میشود که در جامعه سیستم حاکم مرد سالارانه حکمروایی می کند و زنان به اشکال گوناگون مورد ستم قرار می گیرند. آنها در کودکی از طرف پدر، در جوانی از طرف شوهر و در سن پیری از طرف پسر تحت ستم واقع می شوند. زنان در جامعه جنس درجه دوم قلمداد می شوند و از هر لحاظ نسبت به مردان در موقعیت شخصی، خانوادگی و اجتماعی پایین تری قرار می گیرند.

اما ستم بر زن صرفاً با تغییر شکل دولت از بین نمی رود و یا از این تغییر شکل ناشی نمی شود، بلکه ستمگری بر زنان و سرکوب آنها بخش جدایی ناپذیری از مناسبات استثمارگرانه و ستمگرانه حاکم بر جامعه بوده و مبارزه ریشه یی علیه این ستم نیازمند پیشبرد مبارزه علیه مجموع این مناسبات می باشد.

در چارچوب ستم عمومی بر زنان، ستم تجاوزات جنسی نیز از طرف قدرتمندان و زورگویان بر آنها تحمیل می گردد. ولی در مدت ۱۰ سالی که از عمر رژیم حامد کرزی می گذرد به خوبی تثبیت گردیده که زنان نه تنها به آزادی نرسیده اند، بلکه وضعیت شان از لحاظ امنیتی و خشونت خانوادگی و غیر خانوادگی بدتر نیز گردیده است. فساد اخلاقی و تجاوزات جنسی بر زنان نه تنها در موسسات دولتی و خصوصی وجود دارد،

است که می‌گوییم گسترش فساد جنسی تا این حد نتیجه حضور قوای اشغالگر خارجی و حاکمیت پوشالی رژیم دست‌نشانده آنها است.

ما نمی‌توانیم گسترش فساد جنسی تا این حد را در اساس به عوامل منفی روانی در وجود افراد و اشخاص مربوط سازیم. حتی اگر اینگونه باشد، باید پرسید که گسترش عوامل منفی روانی در وجود افراد و اشخاص از کجا و بر اساس کدام زمینه‌های اجتماعی ناشی می‌گردد؟ قطعاً باید گفت که از زمینه‌های اجتماعی ناشی از تحت اشغال بودن کشور، سلب آزادی ملی مردمان آن و حاکمیت پوشالی رژیمی که بخاطر حفظ و بقای غیر مشروعش همه مرزها و چارچوبه‌های وجدانی و اخلاقی را برهم زده و فساد از سر و روی آن می‌بارد.

واقعیت این است که اشغالگران و دست‌نشانده‌گان شان در افغانستان صرفاً در عرصه فساد مالی، رشوه‌ستانی و اختلاس "ناج افتخار جهانی" را بر سر نگذاشته‌اند، بلکه از هر لحاظ و در تمامی عرصه‌ها، منجمله تمامی عرصه‌های اخلاقی و وجدانی، جامعه ما را به قهقرا کشانده‌اند.

بنابراین بر همه ما لازم است که بخاطر نجات خود و جامعه خود از روند سقوط رو به گسترش فعلی، با تمام قوت و توان خود علیه وضع موجود مبارزه و مقاومت نماییم و به هر قیمتی هم که شده باشد این وضعیت را از بین ببریم و بجای آن یک وضعیت مردمی و انسانی به وجود بیاوریم. در غیر آن شاهد سقوط هر دم عمیق‌تر جامعه خود خواهیم بود.

با تشکر از خواهر عزیز ما **تهمینه وفا!**

از گلشن دامن تو بشکفته به صد رنگ

امروز زبهر تو چرا عرصه بود تنگ

چون مرغک بی بال و پر ای بانوی افغان

آواره به کوه و کمر ای بانوی افغان

برخیز و زفریاد جهان را تو خبر کن

کاخ ستم از آه و فغان زیر وزبر کن

گل‌های کمال و هنر و دانش و فرهنگ

در پنجه بیدادگر و اهرمن؟ ای زن

افتاده به دام خطر ای بانوی افغان

مستغرق گرداب بلا و فتن ای زن

وز نعره مردانه تو گوش همه کرکن

این است پیام من و ختم سخن ای زن

درین قسمت از محفل از **گروه سرود**، تقاضا میکنم ترانه زیبایشان را به سمع شما برسانند. تا آمدن شان تشویق فرمایید.

درود ما ، درود ما به آن زنان

به آن زنان انقلابی جهان

درود ما ، به هشت مارچ به روز زن

به آن نبرد انقلاب بی امان

به انقلاب آتشین و بی امان

بی امان

به سوی یک هدف شویم همه روان

ما روان

هو هووووووو

« به اتفاق و با همی و یکدلی

روانه ایم و میرویم و میرسیم

هو هووووووو

به اتفاق و با همی و یکدلی

روانه ایم و میرویم و میرسیم»

درود ما ، درود ما به آن زنان

به آن زنان انقلابی جهان

درود ما ، به هشت مارچ به روز زن

به آن نبرد انقلاب بی امان

شعار ما، مبارزات بی امان

برای جنبش رهائی زنان

ندای ما ، « در اتحاد و یکدلی

برای کافه ملل برابری »

خموش باد، ظلم های ظلم ها

ظلم ها

« مباد زنده امتیاز جنس ها

جنس ها "

هو هووووووو

" یکی شویم برادران و خواهران

برادران و خواهران یکی شویم

هو هووووووو

یکی شویم برادران و خواهران

برادران و خواهران یکی شویم "

درود ما ، درود ما به آن زنان

به آن زنان انقلابی جهان

درود ما ، به هشت مارچ به روز زن

به آن نبرد انقلاب بی امان

مبارزات، مبارزات با دوام

به سرنگونی کنونی نظام

ندای ما ، " در اتحاد و یکدلی

برای کافه ملل برابری "

نبرد های ما زنان این زمان

این زمان

زخشم توده ها نهفته جانیان

جانیان

" هو هوووووو

یکی شویم برادران و خواهران

برادران و خواهران یکی شویم

هو هووووووو

یکی شویم برادران و خواهران

برادران و خواهران یکی شویم "

درود ما ، درود ما به آن زنان

به آن زنان انقلابی جهان

درود ما ، به هشت مارچ به روز زن

به آن نبرد انقلاب بی امان ---- ۳

با تشکر از گروه سرود!

برای آغاز یک جنبش مترقی در جامعه و تقویت و تحکیم آن، قبل از همه به تدارک فکری نیاز است. این آمادگی فکری از طریق تبلیغ و ترویج اندیشه نوین در جهت ارتقاء سطح آگاهی فکری و سیاسی توده های مردم و ایجاد یک تشکیل انقلابی و دموکرات مردمی میسر است. زیرا بدون چنین تدارکی نمیتوان مبارزات ملی و طبقاتی توده های مردم را به جهت درست و اصولی رهبری کرده و آنرا به فرجام پیروزمند آن رساند. "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" باورمند است که ازین طریق میتوان برای تحقق اهداف انقلابی گام برداشت.

درین قسمت از محفل توجه شما را به بیانات خواهر عزیز ما **ترنم طنین** جلب میدارم. لطفا تشویق شان کنید.

وضعیت اسفناک زنان در افغانستان و راه مبارزه علیه آن

دیگری می بینند. آنها همین که توانستند در محافل عروسی و در داخل تالارها با لباس های مود خارجی ظاهر شوند، فکر می کنند آزاد هستند و از حقوق خود برخوردار شده اند.

ولی نه خواهران عزیز، پوشیدن لباس های تنگ و کوتاه و مود خارجی فقط در تالارها است و اگر در بیرون از تالارها هم باشد بازهم نمی تواند به مفهوم آزادی و رسیدن به حقوق خود به معنای کامل باشد. در حقیقت در جامعه مرد سالار رو آوردن زنان به طرف مود و فیشن خود یکی از راه های تحمیل ستم مردسالارانه بر زنان است و آنها را به بازیچه عیاشی ها و هوس های ستمگرانه مردان مبدل می سازد.

قسمی که در تاریخ آمده است در زمان های قدیم زنان در وطن ما و در سایر کشورها جایگاه خاصی داشته اند. به همین سبب ما نمی توانیم بگوییم که زنان از قدیم تا حال در افغانستان و جهان مورد ظلم و ستم قرار داشته اند. در آن دوره زنان سرنوشت خود را خود در دست داشته اند و مرد سالاری وجود نداشته است. اما پس از آنکه جوامع انسانی، از جمله در وطن ما، به غنی و فقیر و طبقات بالا و پایین تقسیم گردید، عدالت در مناسبات میان زنان و مردان نیز از میان رفت و جای آن را ستمگری مردسالارانه و ستم بر زنان گرفت.

مثلا در ولایت هرات خیلی از دختران که هنوز خود

قسمی که ما و شما شاهد هستیم زنان افغانستان در مجموع نسبت به زنان بسیاری از کشورهای جهان از آزادی و حقوق کمتری برخوردار هستند و شدیداً تحت ستم قرار دارند. البته آزادی به معنای برخورداری واقعی از حقوق انسانی خود و در تمامی عرصه های زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی آزاد و سربلند زندگی کردن. به عبارت دیگر زنان باید حقیقتاً برخوردار از حقوق انسانی خود باشند و نه صرفاً بصورت نمایشی.

اما آنچه امروز در افغانستان بنام حقوق و آزادی زنان وجود دارد، بیشتر نمایشی است تا واقعی. در حقیقت اشغالگران خارجی و اداره دست نشاندۀ آنها از این نمایش رویبوشی برای پوشاندن موقعیت نامشروع شان ساخته اند و به هیچ صورت قصد ندارند حقوق و آزادی های حقیقی و همه جانبه زنان را تامین نمایند، چرا که نظام آنها در اساس ظرفیت تحمل حقوق و آزادی های حقیقی و همه جانبه زنان را ندارد.

به همین جهت لازمه تحصیل این حقوق و آزادی ها در اساس نیازمند مبارزه اساسی و همه جانبه علیه نظام حاکم در افغانستان است. زنان باید حقوق و آزادی های شان را خود با پیشبرد مبارزه علیه این نظام بدست بیاورند و بدانند که: "حق گرفته می شود، داده نمی شود."

متأسفانه بعضی از خواهران مان آزادی را به چشم

شان را نمی شناسند پدرهای شان آنها

را شوهر می دهند. حتی دیده شده است که یک دختر ۱۵ ساله را به یک مرد شصت ساله و یا هفتاد ساله که سه زن هم دارد می فروشند. اینگونه مناسبات کثیف در قدیم وجود نداشت. متأسفانه خیلی از زن ها لت و کوب توسط شوهران شان را تحمل می کنند چرا؟ بخاطر اینکه لقمه نانی که شوهرش برایش مهیا می سازد برای خود و اولاد هایش ضرورت دارد. برعلاوه اگر از ظم و ستمی که بالایش صورت می گیرد چشم پوشی نکند کارش به طلاق می کشد و دولت اولادهایش را متعلق به پدر می سازد. در جوامع قدیم نه مردسالاری و ستم بر زن وجود داشت و نه اینگونه مناسبات اجتماعی ستمگرانه میان مردان و زنان.

ستم مردسالارانه بر زنان در اساس ناشی از وابستگی اقتصادی زنان به مردان است. برای بر انداختن مرد

سالاری در جامعه لازم است زنان کاملاً از وابستگی اقتصادی به مردان رهایی یابند و این ممکن نیست مگر اینکه کل مناسبات حاکم فعلی سرنگون شده و جای آنرا مناسبات عادلانه میان کل انسان ها و میان زنان و مردان بگیرد. در چنین جامعه ای زنان به معنای کامل از حق دسترسی به علوم و دانش بشری و سایر حقوق خود برخوردار شده و از وابستگی اقتصادی و نیز وابستگی های دیگر اجتماعی به مردان رهایی می یابند و به اعضای کامل جامعه انسانی مبدل می گردند و دیگر یک شی قابل خرید و فروش و جنس درجه دوم به حساب نمی آیند. در چنین جامعه ای مردان حاکم زنان نخواهند بود و زنان نیز به بردگی جنسی عادت نخواهند داشت. در چنین جامعه ای مردان از ستم کردن بر زنان، حتی بالای خواهران و مادران شان، بر خود نخواهند بالید و فخر نخواهند کرد و رویه انسانی مردان با زنان، بی غیرتی و بی ناموسی تلقی نخواهد شد.

با تشکر از **خواهر ما ترنم طنین!**

خیز از جای و طلب کن حق خویش

خیز از جای و طلب کن حق خویش

از کسانی که به صد حيله و فن

تا به کی در حرم شهوت مرد

تا به کی همچو کنیز بد بخت

تا به کی در پی یک لقمه نان

خیز از جای و بکن ریشه ظلم

جهد کن، جهد که تغییر دهی

خواهر من ز چه رو خاموشی

از کسانی که ضعیفت خوانند

گوشه خانه ترا بنشانند

مایه عشرت و لذت بودن

سر مغرور به پایش سودن

صیغه حاجی صد ساله شدن

راحتی بخش دل پر خون را

بهر آزادی خود قانون را

درین قسمت توجه شما را به بیانات خواهر عزیز مان **حسنا مبارز** جلب میدارم. لطفا تشویق شان نمایید.

تجلیل شایسته از هشت مارچ روز جهانی زن

حسنا مبارز

خود شان را طرفدار حقوق زنان و مدافع مبارزات آنها معرفی نمایند. زنان حقیقتاً مبارز و مردان مدافع حقیقی حقوق و مبارزات زنان، در جریان تجلیل از روز جهانی زن مکلف هستند علیه اینگونه تجلیل های دروغین از روز هشت مارچ مبارزه نمایند. آنها باید تجلیل های دروغین و عوام فریبانه از روز جهانی زن را افشا نموده و چهره های حقیقی مدافعین دروغین حقوق زنان را بی نقاب سازند.

اساساً آزادی و حقوق زنان کشور چیزهایی نیستند که بدون حصول استقلال کشوری و آزادی ملی و همچنان بدون رهایی از استثمار طبقاتی به دست آیند. اینها همه لازم و ملزوم همدیگر هستند. در شرایطی که کشور مورد اشغال قرار دارد و مردمان ما آزادی ملی شان را از دست داده اند، دم زدن از آزادی زنان و تامین حقوق آنان یک یاهه گویی ابلهانه و یک خود فریبی و عوام فریبی آشکار است. به همین جهت است که مبارزه در راه تامین حقوق و آزادی های زنان با مبارزه برای کسب استقلال کشور و حصول آزادی ملی مردمان ما در یک پیوند فشرده قرار دارد. ما نمی توانیم و حق نداریم که موضوع مبارزات زنان برای آزادی ها و حقوق شان را به عنوان مسایل کاملاً جداگانه و بدون پیوند با پیشبرد مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و رژیم پושالی در نظر بگیریم. مقدم بران حق نداریم موضوع مبارزات زنان برای آزادی ها و حقوق شان را به عنوان یک موضوع مخالف با مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و رژیم پושالی مطرح نماییم.

از طرف دیگر ما باید توجه داشته باشیم که تجلیل از روز جهانی زن توسط خود ما نباید به یک تجلیل نمایشی و خشک و خالی مبدل گردد. تجلیل از روز جهانی زن به این خاطر به عمل می آید که زنان مبارز و مردان مدافع آنها بتوانند از این طریق، آمادگی های مبارزاتی شان علیه مرد سالاری و ستم بر زنان را بیشتر از پیش رشد دهند و پس از هر تجلیل بتوانند مبارزات شان را قوی تر و نیرومند تر پیش ببرند. ولی اگر ما صرفاً به تجلیل خشک و خالی از هشت مارچ روز جهانی زن اکتفا نماییم و تا هشت مارچ سال آینده فراموش نماییم که موضوعی بنام مبارزه علیه مردسالاری و ستم بر زنان هم وجود دارد، هیچ چیزی تغییر نمی نماید و ما خود ما و بدست خود ما تجلیل از این روز را میان تهی و بی مفهوم می سازیم.

پس بیایید همه با هم دست در دست هم داده و نه تنها هشت مارچ روز جهانی زن را امسال به صورت شایسته

اگر به تاریخ مبارزات انسان ها برای آزادی و عدالت نظر بیندازیم، روزهای بیادماندنی ای را در صفحات آن می بینیم که نشانه و مظهر مبارزات مذکور و قربانی های مبارزین در مسیر مبارزاتی شان می باشد. مثلاً روز ۲۸ اسد به عنوان روز استرداد استقلال افغانستان از استعمار انگلیسی، نشانه و مظهر مبارزات ضد استعمار مردمان ما و یادآوری از قربانی های مبارزین ضد استعمار انگلیس در کشور ما در طی چندین دهه است. یک مثال دیگر روز اول می یعنی روز بین المللی کارگران جهان است که نشانه و مظهر مبارزات کارگران جهان و قربانی هایی است که کارگران کشور های مختلف در مسیر مبارزاتی شان پذیرا گردیده اند.

روز جهانی زن نیز یکی از همین روز های تاریخی و نشانه و مظهر مبارزات زنان و قربانی های مبارزاتی شان می باشد. هشتم مارچ روزی است که زنان و مردان مدافع حقوق زنان در سراسر جهان از آن تجلیل به عمل می آورند. این تجلیل از طریق برگزاری هزاران محفل و راه پیمایی در کشورهای مختلف جهان صورت می گیرد. زنان و دختران با شرکت درین محافل و راه پیمایی ها بیشتر از پیش با حقوق خود و راه های هرچه موثر تر مبارزاتی آشنا می شوند و آمادگی های مبارزاتی شان افزایش می یابد.

اما از جانب دیگر تاریخ جوامع بشری با یک نیرنگ همیشگی دشمنان آزادی و عدالت نیز آشنا است. این دشمنان افتخارات تاریخی انسان های مبارز را می دزدند، مسخ می سازند و در جهات منافع خود شان مورد سوء استفاده قرار می دهند. مثلاً رژیم دست نشانده کنونی در کشور که قدرت پושالی اش را از نیروهای اشغالگر تحفه گرفته و هست و بودش وابسته به حضور نیروهای مذکور در کشور است، از روز ۲۸ اسد یعنی روز استرداد استقلال افغانستان از استعمار انگلیس تجلیل به عمل می آورد و یا روز ۲۶ دلو را به عنوان روز خروج قوای اشغالگر "شوروی" از افغانستان "گرامی" می دارد. جالب تر اینکه حتی قومندان عمومی نیروهای اشغالگر نیز به مناسبت تجلیل از چنین روزهایی برای ما پیام های تبریکی می فرستند.

به همین ترتیب روز هشت مارچ یعنی روز جهانی زن نیز در افغانستان توسط رژیم پושالی و اشغالگران بصورت فریبکارانه مورد تجلیل قرار می گیرد. آنها برای تجلیل از این روز محافل متعددی برگزار می نمایند و با ایراد سخنرانی ها و خطابه های عوام فریبانه سعی می نمایند

مشت رسوایان را وا نکنیم	تجلیل نماییم، بلکه با عزم قوی و اراده مبارزاتی خلل ناپذیر و قوی با هم عهد نماییم که پس از برگذاری این محفل نیز مبارزات مان را ادامه دهیم. فقط از این طریق است که تجلیل فعلی ما از روز جهانی زن مفهوم و معنای حقیقی پیدا می نماید و یک محفل خشک و خالی باقی نمی ماند.
من اگر برخیزم	چه کسی می خواهد
تو اگر برخیزی	من و تو ما نشویم؟ خانه اش ویران باد
همه بر میخیزند	من اگر ما نشویم تنهایم
من اگر بنشینم	تو اگر ما نشوی خویشتنی
تو اگر بنشینی	از کجا که من و تو
چه کسی برخیزد؟	شور یکپارچگی را در شرق
چه کسی با دشمن بستیزد	باز بر پا نکنیم
چه کسی پنجه در پنجه هر دشمن دون آویزد؟	از کجا که من و تو
چه کسی می خواهد	
من و تو ما نشویم؟	
خانه اش ویران باد!	

با تشکر از خواهر عزیز ما **حسنا مبارز!**

بر توت برشت مینویسد که :

بدترین بیسواد، بیسواد سیاسی است!

وی کور و کر است، درک سیاسی ندارد و نمی داند که هزینه های زندگی از قبیل قیمت نان، مسکن، دارو و درمان همگی وابسته به تصمیمات سیاسی هستند. او حتی به جهالت سیاسی خود افتخار کرده، سینه جلو می اندازد و میگوید که: "از سیاست بیزار است!"

چنین آدم سبک مغزی نمی فهمد که بی توجهی به سیاست است که زنان فاحشه و کودکان خیابانی می سازد، قتل و غارت را زیاد می کند و از همه بدتر بر فساد صاحبان قدرت می افزاید.

درین قسمت از محفل توجه شما را به دکلمه زیبای خواهر عزیز مان **صدف پویش** جلب میدارم. تا آمدن شان تشویق شان کنید.

زنان

صدف پویش

زنی را میشناسم من

که شوق بال و پر دارد

ولی از بس که پر شور است

دو صد بیم سفر دارد

زنی را میشناسم من
 که در یک گوشه خانه
 میان شستن و پختن
 درون آشپزخانه
 سرود عشق میخواند
 نگاهش ساده و تنهاست
 صدایش خسته و محزون
 امیدش در ته فرداست

زنی را میشناسم من
 که میگوید پشیمان است
 چرا دل را به او بسته
 کجا او لایق آن است

زنی هم زیر لب گوید
 گریزانم ازین خانه
 ولی از خود چنین پرسد
 چه کس موهای طفلم را
 پس از من میزند شانه؟؟

زنی آبستن درد است
 زنی نوزاد غم دارد
 زنی میگیرد و گوید
 به سینه شیر کم دارد

همه در حسرت و آه اند
 همه گریان گریانند
 همه چشم انتظار عدل -
 صفا و رزم و پیکارند
 زنان در جستجوی هم

زنانی روبروی هم

همه با همه‌همه خوانند
 سرود رزم و آزادی
 که تا بیرون نهند

در هم درند

زنجیر تنهائی

با تشکر از خواهر عزیز ما **صدف پویش** !

روز هشت مارچ، روز بین المللی زنان، روز تجدید عهد برای مبارزه سرسختانه و قهرمانانه همه زنان آزاده و انقلابی جهان علیه ظلم و ستم و استثمار است. باشد تا در این روز صلاهی نبرد علیه مرتجعین و امپریالیستها سراسر جهان را در نوردد و نیاز مبرم توده های ستمدیده به سرنگونی جهان کهنه و برقراری جهانی نوین اعلام شود. این روز رزم جهانی مبارک باد!

درین قسمت از محفل توجه شما را به صحبت های برادر عزیز مان **جناب آقای یوسفی** جلب میدارم. تا آمدن شان تشویق کنید.

آقای یوسفی

دلَم را با سرودن شاد کردم

ره و سبک نوی ایجاد کردم

صدای جنس زن فریاد کردم

به موسیقی ناب سرزمینم

روز هشتم مارچ روز جهانی زن را به شما زنان مبارز افغانستان تبریک میگویم.

به نام نامی مردم

به نام آرزوهای طلائی رنگ نورانی

به تو ای دشمن خونخوار و آزادی

به تو ای عامل بی شرم استعمار

بدون احترام و بی سلام از من

که هستم دختر آزاده افغان

که هستم در حصار محبس تاریک زندان ها

تنم از ضربت شلاق تان چون آسمان نیلی است

به روی صورتم آثار داغ و ضربه ها پیداست

به جای آب،

جانم از شرنگ مرگ لبریز است

شما جلادها شب را

به زندانم کشانیدید

شما در تیره گی هایش

ربودید از کف من گوهر تابان عفت را

چو سگها وحشیانه حمله آوردید به دامانم
به دست احمقان پست و هر جایم ملوث شد
و زندان شما با آنهمه وحشت برای مردمی چون من
حصار و سنگری باشد
که در آن لاله های سرخ می رویند
و از دیوار فولادین آن فریاد خشم ما
به سربازان آزادی توان و روح می بخشد
و این فریاد در گوش شما آهنگ مرگی هست بی تردید
تو ای فرمانروای رهن و ترسو
به جلادت بگو جسم مرا بر دار آویزد
به جلادت بگو یکبار جانم را فدای ملت من سازد
که بعد از مرگ باشم قدرتی در قلب انسانها
که بعد از مرگ نامم زنده تر گردد
نهال آرمانم بارور گردد
چرا چون بید می لرزید
چرا ای بزدلان از خویش میترسید
که زندانهایتان از مردم آزاده لبریز است
شما بیهوده میکوشید
تلاش و عزم ما بالاتر از هر کوششی باشد
سپاه عقل بر اقلیم ظالم چیره میگردد
و تو ای دولت مزدور!
قبل ازینکه کاخ آرزوهایت فرو ریزد
به جلادت بگو جسم مرا بر دار آویزد
طناب دار را برگردن یک دختر اندازد
و اما ملت من گر مدال افتخارم رشته دار است
من آنرا به دست خود به دور گردن اندازم
که حق خویش را در پیشگاه تو اداء سازم
بله این نامه ای بود از جمیله
بله این نامه ای بود از جمیله!

با تشکر از **اقای یوسفی!**

با این مرام بر همه عالم علم زنیم
پا بر سر عوالم جور و ستم زنیم
آنگاه بر تمام قوانین قلم زنیم

خوش آنکه در طریق عدالت قدم زنیم
دست صفا دهیم به معمار عدل و داد
قانون عادلانه تر ازین کنیم وضع

درین قسمت از محفل توجه شما را به دکلمه زیبایی خواهر خورد سال و عزیز مان **سپیده اکبرزاده** جلب میدارم. تا آمدن شان تشویق شان کنید.

سپیده اکبرزاده

به نام نامی زن

که زن مادر است و قابل ستایش و پرستیدن

من سپیده اکبرزاده به نمایندگی از کانون فرهنگی مهتاب متن ادبی را زیر نام زن به خدمت شما به خوانش میگیرم و روز جهانی زن را بر همه گان مبارکباد میگویم.

زن عشق میکارد و کینه درو میکند

دیه اش نصف دیه توست

و مجازات زنایش با تو برابر

او میتواند تنها یک همسر داشته باشد

و تو محتاط به داشتن چهار همسر هستی

برای ازدواجش در هر سنی اجازه ولی لازم است

و تو

هر زمان که بخواهی به لطف قانونگذار میتوانی ازدواج کنی

او در محبسی بنام بکارت زندانی است

و تو

او کتک میخورد و تو محاکمه میشوی
 او میزاید و تو بر فرزندش نام انتخاب میکنی
 او درد میکشد و تو نگرانی که کودک دختر نباشد
 او بیخوابی میکشد و تو خواب حوریان بهشتی را می بینی
 او مادر میشود، همه جا میپرسند

نام پدر!

و هر روز او متولد میشود

عاشق میشود

مادر میشود

پیرمیشود

و میمیرد

و قرن هاست که او عشق میکارد و کینه درو میکند

و این رنج است

و این رنج است

با سپاس

با تشکر از **خواهر عزیزمان سپیده اکبرزاده!**

سپر از دست میانداز که جنگ است هنوز

که تو را کار به گرداب و نهنگ است هنوز

لاله این چمن آلوده زرنگ است هنوز

های آسوده نشین لب ساحل برخیز

درین قسمت از محفل توجه شما عزیزان را به قطعنامه "دسته ۸ مارچ زنان افغانستان" جلب میدارم که توسط خواهر عزیز ما **آرزو فرمند** به خوانش گرفته میشود. تا آمدن شان تشویق کنید.

قطعنامه

ارزو فرهمند

بیش از ۱۱ سال از حمله امپریالست ها به رهبری امپریالیزم امریکا و سر نگرانی امارت اسلامی طالبان می گذرد. این یک دهه گذشته کوتاه بینی کسانی را به نمایش می گذارد که پایان "امارت اسلامی طالبان" را آغاز دموکراسی، آزادی و بخصوص آزادی زنان از قید اسارت طالبان می پنداشته و می پندارند. امپریالیستهای اشغالگر شعارهای کاذبانه مبارزه "علیه تروریسم" و "آزادی زنان" از قید اسارت طالبان را رو پوشی برای تهاجم و تجاوز به افغانستان ساختند یک عده از عناصر میهن فروش و تسلیم طلب زیر این بیرق خزیده و تجاوز امپریالیستها را به فال نیک گرفته و آنرا (بارقه امید در چشمان اشک بار ملت) افغانستان خواندند بخاطر منافع اشغالگران و رژیم پوشالی شعارهای کاذبانه امپریالیستها را به اشکال گوناگون به توده های زحمتکش و بخصوص زنان ستمدیده افغانستان توجیه نموده و می نمایند در حالیکه امپریالیستهای اشغالگر و رژیم پوشالی اش نه خواهان آزادی زنان اند و نه میتوانند زنان را از قید اسارت آزاد سازند، زیرا آزادی زنان در گرو لغو مالکیت خصوصی است.

محققین و علما در آثار متعددی که به جا گذاشته اند، اثبات نموده اند که پایه بردگی زن علل اقتصادی - اجتماعی دارد و زیر دست بودن زن از روزی بوجود آمد که مالکیت خصوصی پا به عرصه وجود گذاشت. این پیش آمد از یکسو زن را وابسته به پدر و شوهر نمود، و از طرف دیگر صحنه به بردگی اجتماعی او گذاشت. زن برده، قابل خرید و فروش بود و سپس به مراحل بعدی اجتماعی دهقان و کارگر شد. تا زمانیکه این علل اقتصادی - اجتماعی که زن را فرو دست نموده از بین نرود، آزادی زنان امکان پذیر نیست.

هرگاه با دید بصیرت به تاریخ نگاه کنیم به خوبی دیده میشود که امپریالیستها به رهبری امپریالیزم امریکا با زن ستیزان هیچ مشکلی بر سر آزادی زنان نداشته و ندارند. چنانچه بعد از سقوط شاه ایران، امپریالیزم امریکا بود که از رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی نمود و به همین ترتیب جمهوری اسلامی عراق و جمهوری اسلامی افغانستان نشانه بارزی از زن ستیزانی هستند که دست نشانده و مورد حمایت امپریالیزم امریکا و متحدینش قرار دارند. روابط امریکا با طالبان زمانی به تیرگی گرائید که طالبان دیگر نتوانستند در راستای منافع امریکا گام بردارند. در شرایط کنونی امپریالیزم امریکا و متحدینش تا زمانی از حامد کرزی حمایت می کنند که بتواند منافع شانرا تامین کند، در غیر این صورت مهره را تغییر داده و زن ستیز دیگری را بر چوکی دست نشاندهی خواهد نشانند. امپریالیزم امریکا خواهان یک رژیم کاملاً اسلامی گوش به فرمان و مطیع در افغانستان است، تا بهتر بتواند جنبش های آزادیبخش و بخصوص جنبش زنان را سرکوب نماید و زنان که نیمی از جامعه را تشکیل میدهند مطیع و فرمانبردار ساخته و از خشم و نفرت شان جلوگیری به عمل آورد.

همانطوریکه ستم بر زن منشأ طبقاتی دارد، این ستم به شدیدترین وجهی با ستم امپریالیستی گره خورده است، بدون از بین بردن ستم امپریالیستی نمیتوان به دیگر ستم ها و بخصوص ستم بر زن پایان داد. پس یگانه راه بیرون رفت زنان از قید اسارت و بردگی بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی میهن فروشان و زن ستیزانی است که در خدمت نیروهای خارجی در آمده اند.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان برای بهبود وضع زندگی زنان و دیگر اقشار زحمتکش خواهان آنست تا موارد ذیل که از جمله خواست های فوری و دموکراتیک زنان است عملی گردد:

1. اخراج بدون قید و شرط قوای اشغالگر.
2. لغو ازدواج های اجباری.
3. لغو نکاح صغیره.
4. تامین حقوق و آزادی سیاسی و مدنی افراد، هر فرد باید حق داشته باشد تا در هر مورد ابراز عقیده نماید
5. مساعد ساختن زمینه های گوناگون عودت آبرومندان آواره گان به کشور.

6. ایجاد زمینه اشتغال به کارگران. تا مردم زحمتکش کشور ما مجبور نگردند برای بدست آوردن لقمه نانی رهسپار کشورهای خارج شوند.
7. ایجاد زمینه اشتغال به تحصیلی که از پوهنتون ها فارغ گردیده و میگردند.
8. تداوی مجانی مریضان درشفاخانه های دولتی.
9. ایجاد شرایط مساعد تحصیلی برای تمامی فارغان صنوف دوازدهم، تحت هیچ شرایط دولت نباید مانع ادامه تحصیل شان گردد.
10. ایجاد کودکانستان های دولتی که بودجه آن از طرف دولت پرداخته شود.
11. مزد برابر درمقابل کار برابر.
12. فرصت شغلی و تحصیلی برای زنان و مردان.
13. اشد مجازات برای کسانی که مرتکب تجاوزات جنسی می شوند، انهم بصورت محاکمه علنی.
14. محاکمه علنی آنعده کسانی که به خشونت علیه زنان مبادرت می ورزند.
15. تساوی حقوق زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.
16. روز هشتم مارچ باید به عنوان یک روز قانونی به رسمیت شناخته شود و رخصتی عمومی اعلان شود.

شانزده ماده فوق از جمله مطالب عاجل ودموکراتیک ما است. تا زمانیکه این خواست ها تحقق نیابد ما به مبارزات خود ادامه میدهیم.

خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها کنید.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

هشتم مارچ ۲۰۱۳

۱۷ حوت ۱۳۹۱

مهمانان عزیز و حاضرین محترم در تالار!

با ابراز سپاس و امتنان ازینکه دعوت ما را پذیرفتید و به محفل ما صفا بخشیدید.

” دسته ۸ مارچ زنان افغانستان “ آرزومند است که نشست امروزی حرکت تازه ای و دریچه نوی باشد به سوی فردهای بهتر! تعدادی از دوستان ما برای توزیع قطعنامه ” دسته هشت مارچ زنان افغانستان “ برای پذیرایی حاضرند، شما میتوانید هنگام خارج شدن از تالار به تعداد مورد نیازتان ازین قطعنامه دریافت نمایید. اگر با کمی و وکاستی ای درین محفل مواجه شدید، امیدواریم ما را ببخشید.

به امید موفقیت تمامی شما مهمانان عزیز ، ختم محفل امروزی را اعلام میکنم.

(بخش سوم)

گزارش محفل تجلیلیه هشتم مارچ ۲۰۱۳ در شهر

هشت مارچ روز جهانی زن روز شنبه تاریخ ۹ مارچ ۲۰۱۳ در شهر ... توسط اعضای دسته هشت مارچ زنان افغانستان تجلیل گردید. در این محل در حدود ۸۰ زن و دختر شرکت نموده بودند که اکثریت آنان را دختران جوان تشکیل می داد. محفل ساعت دو بجه بعد از ظهر شروع و ساعت ۴ بجه ختم گردید. در این محفل چهار مقاله، سه قطعه شعر توسط دختران جوان و یک پارچه سرود توسط دختران خورد سروده شد در ختم محفل نمایش ورزشی توسط دختران جوان نیز به نمایش گذاشته شد. هشت مارچ همه ساله در شهر های مختلف توسط اعضای دسته مارچ تجلیل می گردد. در شرایطی که افغانستان توسط نیروهای امپریالیست به سرکردگی امپریالیزم امریکا اشغال گردیده است و رژیم پوشالی وابسته همه ساله تجلیل از هشت مارچ را رو پوشی برای جنایات اشغالگران ساخته اند موضوعات ضد اشغال

و ضد امپریالیستی در سخنرانی ها پرده از چهره جنایات کاران و رژیم وابسته بر می دارد و چهره زن ستیزی آنان را به نمایش می گذارد.

سخنرانان محفل بر اهمیت جنبش متشکل زنان تاکید کردند و از شرکت کنندگان خواستند تا در صف آنان در مبارزه در این راستا بپیوند.

محفل هشت مارچ در شرایطی برگزار گردید که در جریان امسال سه تجاوز جنسی، سه اختطاف و دو قتل زنان در این ولایت صورت گرفته است. مقامات رژیم در این مورد با بی تفاوتی برخورد نموده و هیچ یکی از این مجرمین مجازات نگردیده است. همه ساله در تالار ولایت محفل هشت مارچ برگزار می گردد و زنان شرکت کننده را به دادن تحفه ها دل خوش می کنند.

افتتاحیه

بزرگترین بدبختی آدمی اینست که طغیان بر ضد بیداد گری دوام یابد و لحظهء که انسان ستم را به آسانی تحمل کند، آنزمان شوم ترین دوره حیات اش آغاز میگردد.

ابتداء تشریف آوری شما حضار گرامی را در محفل کنونی خیر مقدم عرض میداریم. برنامه کنونی بمناسبت هشت مارچ روز بین المللی زن برگزار گردیده است. این روز (هشت مارچ) روز بسیار بزرگ، با عظمت و مقدس است که به پاس جان فشانی زنان مبارز و آگاه، زنانی که در مبارزه با بیعدالتی و تبعیض جان دادند تا هم جنسان آنها در شرایط بهتر و انسانی تر زندگی کنند، نام گذاری گردیده است. روز جهانی زن دستاورد مبارزات بین المللی زنان علیه، تجاوز، خشونت، سنگسار، قتل ناموسی، نابرابری های جنسیتی است. آنچه بدست آوردیم و آنچه باید همچنان

برایش بجنگیم و این زنجیر ستم را پاره کنیم!

باشد تا محو کلیه ستمها و رهائی زنان این روز را جشن بگیرم تا دیگر در هیچ جای این دنیا حتی یک زن هم درخشونت و ستم نباشد.

روز ۸ مارچ نمادی ست از مبارزه علیه خشونت بر زن، علیه ستم جنسیتی و طبقاتی، علیه نابرابری حقوقی.

چه جان بخش است در عشقی تبیدن

جهانی دیگر از نو افریدن

بسوی کهکشانها پیش رفتن

به بال زحمت انسان پریدن

شهاب تیز گام رزم و پیکار

در این وادی به پرواز اوریدن

به تیغ خشم محنت اشنایان

گلوی میرو سلطان رابردن

وانگه در بهارستان میهن

به پای گلبن زحمت چمیدن

سرود زندگانی سازکردن

گل امید انسان پروریدن

ز باغ آرزوی رادمردان

گیاه هرزه گی را پاک چیدن

خوشا در پرتو خورشید زحمت

"جهانی دیگر از نو افریدن"

هشت مارچ به همه شما مبارک

زنان نیمی از آسمانند و اگر این بخش از آسمان بی حرکت باقی بماند، معلوم می شود آن توفانهای انقلابی که قرار بود دنیای کهن را در هم بپیچد، فقط نسیمی گذرا بوده است .

"ستم زن بر زن در افغانستان"

را حله

زنان از زمانهای دور تاریخی از انواع و اقسام ستم ها متأثر شده بنابر عوامل و متغیر های گوناگون بوده است اکنون نیز ما شاهد ظلم و ستم بر زنان هستیم. افغانستان که کشور نیمه فئودالی و وابسته به امپریالیست ها است علی رغم ستم های که امپریالیست ها، دولت، سنت ها و عادت های ناپسند، فرهنگ و مهمتر از همه فرهنگ و نظام سرمایه داری روا می دارند، متأسفانه و بدبختانه عاملی دیگر که تقویت کننده این ظلم ها است، خود زنان می باشند زنان در همه عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به نحوی اکثراً سد راه ترقی هم جنسان خود هستند. بطور مثال در عرصه اجتماعی زنان با عناوین (مادر، خواهر، زن برادر، خسر مادر، دختر خسر و غیره) بر زنان ستم و تبعیض روا میدارند. مادر از بدو تولد دختر از وی و از خودش که دختر به دنیا آورده است ننگ می خورد از همان آوان طفولیت وی را وادار به کارهای که زنانه انگاشته می شود، میکند او را به انواع کلمات چون: غریب، اولاد سیاسی، مال مردم، بیچاره و غیره نام برده به شیوه نامطلوب که از جوانب مختلف به روحیه وی صدمه می زند، تربیت میکند در حالیکه آخرین تلاش های خود را برای تربیت درست طفل پسری خود میکند که خود تبعیض آشکارا است. پسر را مورد توجه بیشتر قرار داده و به داشتن او افتخار می کند در حالیکه دختر را جبراً قبول کرده و بار اضافی می نامند، زمانی که دختر به سنین ۶-۷ می رسد وی را وادار به نشستن در خانه که چهار دیواری چون زندان بیش نیست میکند. مادران به دختران می گویند، زنی ایده آل برای شوهر کسی است که کارهای خانه را

خوب یاد داشته باشد و زن منهای کار خانه هیچ است همواره حرف ها و لفظهای ناپسند درخور دختران خود میدهند، زمانی که دختر به سنین ۱۳-۱۴ میرسد مادر مطابق میل خود و خانواده، دختر را به شوهر داده و باز جملاتی از قبیل اینکه: دختر باید سفید پوش خانه شوهر رفته و سفید پوش بیرون شود، نیز اطاعت از شوهر، سایر مردان خانواده و تحمل همه رنج و درد و بالاخره قربان نمودن خود برای خانواده را به وی یاد میدهد با وجود همه اینها باید ستم زانی دیگر بنام خسر مادر و دختران خسر را متحمل شود، خسر مادر بنابر بودن مادر بچه احساس برتری نموده و بنابر بهانه ها و تهمت ها بر وی ظلم نموده چه بسا پسر خود را ترغیب به ستم بر دختر میکند، دختر خسر نیز به نوبه خود در زندگی خصوصی عروس دخالت کرده حتی باعث طلاق آنها از هم گردیده که قربانی اصلی کشمکش ها عروس است. از همه دردناکتر زمانی که این عروس صاحب طفل دختر می شود زنی که به جزء آموخته های حصار خانه چیز های دیگر نیاموخته و ستم هائرا که خودش متحمل شده برای دخترش آموخته و روا میدارد.

در اخیر گفته می توانیم که عوامل این همه ظلم و ستم در قدم نخست عدم آگاهی زنان و جامعه از حقوق حقه زن و ثانیاً نظام های مرد سالارانه که هر نظام مطابق میل شان زن و حقوق وی را تعریف کرده است. به نظرم برای حل این بحران ها چاره ۶ جزء بسیج شدن برای تغییر آگاهانه خود، کشور خود و بالاخره جهان نداریم.

برخیز! طنین صدایت را می شنوم که بر جهان لرزه می افکند!

این روز را به اتحاد همه زنان برای پاره کردن زنجیرهای خشونت علیه زنان بدل کنیم.

من به هیات "ما" زاده شدم

به هیات پر شکوه انسان

تا در بهار گیاه به تماشای رنگین کمان پروانه بنشینم

غرور کوه را دریابم و هیبت دریا را بشنوم

تا شریطه خود را بشناسم و جهان را به قدر همت و فرصت خویش معنا دهم

که کارستانی از این دست

از توان درخت و پرنده و صخره و آبشار

بیرون است.

انسان زاده شدن، تجسد وظیفه بود:

توان دوست داشتن و دوست داشته شدن

توان شنفتن

توان دیدن و گفتن

توان اندوهگین و شادمان شدن

توان خندیدن به وسعت دل، توان گریستن از سویدای جان

توان جلیل به دوش بردنی بار امانت

و توان غمناک تحمل تنهایی

تنهایی

تنهایی

تنهایی عریان

انسان

دشواری وظیفه است.

"مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان در افغانستان"

جميله

در گام نخست روز هشتم مارچ را برای همه زنان تبریک عرض میکنم.

امیدوارم تجلیل از این روز بیانگر تعهد مان به اهداف والای زنان قربانی در این راه باشد. میخواهم در این روز مقدس مکثی روی مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان در افغانستان داشته باشم و تصویر کلی از زندگی زنان در افغانستان ارایه دهم.

حاضرین عزیز:

طوری که میدانید حضور زنان در فعالیت های اقتصادی و سیاسی شرط لازم برای پیشرفت جامعه انسانی محسوب می شود و پیامدهای چشمگیری را برای بهبود وضعیت زندگی آنها ببار می آورد که از استقلال مالی زنان، تثبیت جایگاه آنها در خانواده و جامعه می توان به عنوان نمونه یاد کرد. همچنین یکی از نتایج دیگر مشارکت زنان در عرصه های اقتصادی و سیاسی کاهش تبعیض از آنان است، زیرا زنان با حضور خود در اجتماع تبدیل به یک قدرت واقعی می شوند و می توانند به عنوان نیروی مؤثر در جامعه خویش تأثیر گذار باشند. با در نظر داشت مسایل ذکر شده سوال اساسی اینست که در افغانستان زنان چقدر مشارکت اقتصادی سیاسی پر رنگی دارند و عوامل عدم سهم شدن آنها در فعالیت های اقتصادی و سیاسی چیست؟

من این مسأله را در دو بخش تلاش میکنم که مورد بررسی قرار دهم.

(۱) اهمیت مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی و سیاسی:

فکر میکنم برای همه روشن است که بدون حضور زنان در عرصه های اقتصادی و سیاسی، پیشرفت جامعه دور از

انتظار است. زیرا اولاً زنان بخش عمده جامعه انسانی را تشکیل می دهند که عدم حضور آنها به معنی فلج بودن نیمی از نیروی بشری است و ثانیاً پژوهش تاریخی نشان میدهد که تکامل زندگی انسانها نیاز به نبوغ فکری و کاری زنان دارد. از این رو مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی و سیاسی هم برای پیشرفت جامعه، اصلی ضروری است و هم برای بهبود وضعیت زندگی زنان در جامعه و خانواده مهم پنداشته می شود. بطور خلاصه نتایجی مهمی را که مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان ببار میآورد چنین شمرد:

الف- استقلال مالی و خود کفایی زنان

ب- تثبیت جایگاه زنان در خانواده و جامعه

ج- رشد سطح علمی زنان

د- ایجاد تحول ذهنیتی در میان مردم که تا حدودی در کاهش تبعیض جنسی می تواند مفید واقع شود.

با توجه به اهمیت سهم شدن زنان در فعالیت های اقتصادی و سیاسی بهتر است راجع به مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان در افغانستان هم نگاهی بیاندازیم تا بدانیم چه عاملی مانع حضور زنان در فعالیت های اقتصادی و سیاسی می شود.

(۲) زنان و مشارکت اقتصادی و سیاسی در افغانستان:

خطه که ما امروز در آن زندگی میکنیم در طول تاریخش محلی مناسبی برای مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان نبوده است و اکنون نیز گرچه از لحاظ قانونی زنان حق شرکت در فعالیت های اقتصادی و سیاسی دارند اما به دلایلی گوناگونی از جمله عدم حاکمیت قانون عادلانه، وجود فرهنگ مردسالار، اکثریت زنان حضور گسترده در عرصه های اقتصادی و سیاسی ندارند اگر

از بررسی وضعیت زنان در ده سال اخیر مورد مطالعه قرار دهیم میتوانیم به ثبوت بگوییم که تغییرات بنیادی برای مساعد ساختن زمینه جهت سهیم شدن زنان در فعالیت های اقتصادی و سیاسی بوجود نیامده است. گرچه دولت پوشالی فعلی تلاش های اندکی در این راستا انجام داده است و از لحاظ قانونی از فعالیت های زنان حمایت کرده است اما در عمل محدودی از زنان که نخبه محسوب می شوند توانسته اند وارد پارلمان، شوراهای ولایتی و سایر ارگانهای حکومتی شوند که به هیچ وجه نمایندگی از ۹۵-۹۸ فیصد زنان که در دهات و یا شهر به وضعیت خراب اقتصادی زندگی دارند، نمیکند. از یک طرف ساختار اقتصادی-اجتماعی مردسالار موجود در افغانستان عاملی عمده برای عدم حضور زنان در عرصه های اقتصادی و سیاسی محسوب میشود. از طرف دیگر رژیم وابسته نیروهای اشغالگر خارجی با ساختن وزارتی بنام زنان اجازه دادن محدودی زنان جهت ورود در ارگانهای دولتی، بجای کارهای بنیادی برای حل مشکلات زنان تلاش دارد تا به جهانیان وانمود سازد که ما مشکلات زنان را حل کرده ایم. در حالیکه واقعیت غیر از آن است که حکومت می گوید. در عصر حاضر نیز زنان در افغانستان استقلال اقتصادی ندارند و آگاهانه از صحنه قدرت به دور نگه داشته می شوند و به انواع گوناگونی تحت ظلم و ستم اند که از

قتل های ناموسی، محاکمه نای صحرایی، عدم دسترسی به آموزش و وجود تبعیض های ساختاری و جنسیتی میتوان نام برد. اگر بخواهیم بطور مشخص عواملی را که مانعی حضور زنان در فعالیت های اقتصادی و سیاسی در افغانستان میشود برشماریم، میتوانیم موارد زیر را ذکر کنیم:

الف) وجود ساختار اقتصادی-اجتماعی مردسالار

ب) تبعیض های جنسیتی و ساختاری

ج) عدم دسترسی زنان به آموزش

د) سنت های نامطلوب اجتماعی

ذ) عدم حاکمیت قانون عادلانه

در نهایت میتوان گفت که مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی و سیاسی نقش قابل توجهی در پیشرفت جامعه انسانی دارد در صورتیکه اولاً فرصت برابر آموزش برای زنان فراهم شود و ثانیاً قانون از فعالیت های زنان حمایت کند. باز هم تاکید میکنم که تنها مشارکت محدودی زنان برای بهبود وضعیت اکثریت زنان کافی نیست و باید با عواملی که منجر به عدم حضور زنان در صحنه های اقتصادی و سیاسی میشوند قاطعانه برخورد گردد.

مبارزه با نابرابری جنسیتی که بر کهن ترین تقسیم نابرابر جوامع بشری استوار است از "جزئی ترین"

مسائل زندگی روزمره تا "کلی" ترین مسائل اقتصاد و سیاست و ایدئولوژی را به هم متصل می کند.

نیرویی که این تقسیم کار نابرابر برای تغییر انقلابی آزاد می کند به این سادگی ها پایان نمی گیرد.

تجاوز، قتل زنان فعال؛ تجاوز گروهی به زنان؛ خشونت؛ تجارت سکس؛ قاچاق و فروش زنان؛ ازدواج اجباری،

تبعیض جنسیتی در اشکال مختلف، به راه انداختن جنگ و دخالت در امور کشورها توسط کشورهای امپریالیستی

تحت نام «آزادی و رهائی زنان» تماماً جزء لاینفک نظام سرمایه داری و مردسالار حاکم بر جهان است.

جرقه های آه من ستاره ریز می شود
شب است و شعر میزند شرر به لحظه های من
ز شوق شانه می کشد به رشته صدای من
چه آتشی است و اعجب که آب می دهد مرا
و عطر روح می دمد به پیکر هوای من
ندانم از کدام کوه، کدام کوه آرزو
نسیم تازه می وزد به فصل انتهای من
ز ابر نور می رسد چنان زلال روشنی
که نیست حاجتی دگر به اشک های من
جرقه های آه من ستاره ریز می شود
به عرش لانه می کند کبوتر دعای من
سرشک بیخودانه ام به خط خط کتاب او
نگاه کن چه بی بهانه می چکد خدای من
ز حرف حرف دفتری ز واژه واژه محشری
قیامتی رسیده از سکوت دیر پای من
مخر، مدر، حریر و همی مرا که خوشترم
نیست شوقی که زبان باز کنم، از چه بخوانم؟
من که منفور زمانم، چه بخوانم چه نخوانم
دانم ای دل که بهاران بود و موسم عشرت،
من پر بسته چه سازم که پریدن نتوانم.
یاد آن روزگرمی که قفس را بشکفم،
سر برون آرم از این عزلت و مستانه بخوانم،
من نه آن بید ضعیفم که ز هر باد بلرزم،
دخت افغانم و بر جاست که دایم به فغانم

وضعیت زنان در افغانستان تکان دهنده است

پروانه

خواهران و مادران عزیز خوش آمدید

بسیار بسیار خوشحالم از اینکه می بینم امروز تعدادی مادران و خواهران مان ولو اندک در این جا جمع شده و گرد هم آمده اند تا از روز هشت مارچ روزیکه بنام روز زن و بنام روز آزادی زن نام گذاری گردیده و همه ساله در اکثریت کشورهای جهان علی رغم تمام مشکلات و موانع که وجود دارد و بهتر بگویم به وجود می آورند در این روز گرد هم آمده و آنرا تجلیل می نمایند. بهانه صدای اعتراض خود را در سطح بسیار وسیع و جهانی به گوش جهانیان و بخصوص آزاد مردان و آزاد زنان جهان می رسانند! مادران و خواهران ما در افغانستان در شهر های مختلف این کشوریکه یازده سال است مورد بدترین، خشن ترین و عریان ترین تجاوز و اشغال بیش از چهل کشور جهان به سر کرده گی امپریالیزم ایالات متحده امریکا به بهانه مبارزه و جنگ علیه تروریستان و بنیاد گرایان، خنده آورتر از آن به بهانه و نام دفاع از مردم افغانستان و باز سازی افغانستان به وجود آوردن یک نظام، به اصطلاح دموکراتیک دفاع از اقلیت ها دفاع از حقوق زنان افغانستان و مشارکت آنها در کل بدنه نظام، حضور نظامی دارند و این کشور را به تمام معنی اشغال کرده اند و نیز چند سال است که گردهم می آیند و از این روز تجلیل به عمل می آورند.

اینکه امپریالیزم امریکا و متحدین آن در این کشور در طول مدت اشغال ۱۱ ساله اش در افغانستان چه کارهای را کرده اند و چه فجایعی را بوجود آورده اند، بر هیچکس پوشیده نیست یکی از ده ها دست آورد اشغالگران یا بهتر بگویم از ده ها فاجعه یکی شان حاکمیت رژیم محترم حامد کرزی است که در قدم اول ترکیب ناهمگون وی گویای روشنی از ماهیت این رژیم دارد جنگ سالاران سابقه که

نوع حکومت آنرا ما و شما تجربه کرده ایم تکنوکرات های که آمدن طالبان را در افغانستان بنام اینکه یکبار دیگر بیرق به اصطلاح احمد شاه بابا درانی را بلند کرده اند. اعمال وحشیانه و غیر انسانی آنها را تایید کرده اند. از لحاظ فساد از جمع ۱۷۴ کشور جهان رژیم حامد کرزی نمره سوم را به خود اختصاص داده است. از نظر تولید و قاچاق مواد مخدر ۹۵ فیصد آنرا از افغانستان تولید و قاچاق می گردد. در دوره همین رژیم احوالات شخصیه اهل تشیع پیشنهاد ترتیب و منظور میشود که واقعاً شرم آور است و انسانهای آزاد از خواندن آن از خجالت آب می شود. تجاوز بر اطفال، زنان و اختطاف به یک امر معمول و مروج تبدیل گردیده و فساد اداری رژیمی که در آن هر چیز وجود دارد و هر چه جواز و چیزیکه وجود ندارد قانون است و چیزیکه وجود ندارد تبعیت از قانون است.

خواهران از بحث خارج نشویم:

چرا از روز هشت مارچ تجلیل به عمل می آوریم و هدف ما از این گردهم آیی و تجلیل چیست؟

این موضوعات است که ما باید اولتر از همه به آن پاسخ دهیم:

دوستان و عزیزان:

گردهم آیی ما و تجلیل از این روز بایست به نه گفتن و عصیان بر وضعیت حاکم بر زنان افغانستان تبدیل گردد. نه گفتن بر وضعیت نا هنجار که سالیان دراز است که با تاسف زنان افغانستان با آن روبرو و دست در گریبان است زمانی مادری دختری به دنیا می آورد از دید اکثریت مردم کشور ما به تاسف یک گناه غیر قابل بخشش تلقی میگردد بسیار بسیار مادرانی اند که فقط به خاطر به دنیا آوردن پی هم دختر مورد لت و کوب قرار گرفته و حتی طلاق میگردند.

دوستان و خواهران و مادران

نجات از وضعیت فعلی تنها با ترتیب محافل خواندن مقاله و اشعار انقلابی بدست نمی آید، آگاهی است قیام است مبارزه و جنبش و مشت های یکی شده و گره خورده شما و کوبیده ان بر در و دیوار ظلم و چپه و سر نگون کردن کاخ بلند طبقاتی است که ما و شما را به حق میرساند و ادامه مبارزه و جنبش در سطح وسیع همگانی و مردمی است که ما و شما را در یک جامعه بی طبقه دور از ستم میرساند.

به پیش به سوی آن

زنده باد آزادی

زنده باد برابری،

به پیش به سوی یک حرکت انقلابی و مردمی

قدرت های امپریالیستی هم همواره به بهانه های حقوق بشری و آزادی زنان، با دخالت در جنبش های کشورهای تحت سلطه، تلاش می کنند مسیر مبارزات آنها را در جهت منافع خود تغییر کنند. این مبارزه پیگیرانه و هدفمند ما زنان است که هم مرتجعین اسلامی رابه عقب خواهد راند وهم حامیان امپریالیست شان را افشا می کند.

با تاسف مشکلات زنان در افغانستان به اندازه وسیع است که شمردن و باز گو کردن آن از حوصله هم چو محافلی خارج است. تعداد این مشکلات و ناهنجاری ها را ناشی از عدم درک و شناخت از اسلام و دین اسلام قلمداد کرده طوری وانمود میکنند که عدم شناخت از اسلام سبب این همه رنج و بدبختی زنان گردیده است. اما به صراحت در این محفل اعلام میداریم که تمام مصایب و تمام رنج ها و تمام مشکلات که تا بر ما و هم جنسان ما تحمیل گردیده مگر نمی گویند که کشور ما یک کشور اسلامی است آیا تعبیر طالبان را از زن فراموش کرده اید؟ آیا برخورد حکومت مجاهدین را بعد از سقوط رژیم نجیب و روی کار آمدن مجاهدین را فراموش کرده اید؟ که حتی پیش از استقرار حکومت درست حکومت شان دختران از رفتن در مکاتب و زنان را از رفتن در اداره و محیط کار و حتی گشت و گذار آنها را در بازار بدون به اصطلاح محرم قدغن کرده بودند پس ما چطور گفته می توانیم که ستم بر زنان ناشی از عدم شناخت از اسلام است مگر همین مسلمانان به اصطلاح دو آتش نبودند مگر همین ها مدافعین اسلام نبودند احوالات شخصیه تشیع را که ترتیب کرده بودند و مهر تایید بالای آنرا میگذاشت جالب اینجاست که ناقضین دیروز مدافعین امروز گردیده جالب اینست که از یک طرف احوالات شخصیه ترتیب می گردد در مدیا از حقوق دفاع میگردد در کشور ما باتاسف از دید حاکمان همه چیز جایز است.

زنان جدا از پایگاه طبقاتی شان در یک چیز با هم مشترک هستند و آن ستمی است که به اشکال متفاوت در طبقات مختلف بر آنان اعمال می شود.

هزار سال گذشته ست از تولد من،

چه لازمست بدانیم در کدامین ماه؟

در آن محیط سیاه

که قرن ها شبیح زن درون شبکده بود.

اگر که مادر بیچاره دختری می زاد،

نوشته می شد در پای او هزار گناه

چه جای جشن تولد، تولد دختر؟

که بود دختر، سر بار خوار بد اختر

مگر در این دوران

حدیث دختران افغان، از این بود بهتر؟

هزار مرتبه من آمدم به این دنیا

هزار مرتبه رفتم

و باز برگشتم

از این افسانه غم،

نگشت هیچگه آگه

کسی بجز خود من.

بود تولد هر کودکی تولد من

و هر بهار که گلزار پر شکوفه شود

و هر پرنده که آزاد می شود ز قفس

و هر ستاره تازه در آسمان بلند

و هر زمان که اسیری رها شود از بند

و جشن ملی هر کشوری که آزادست

مراسم جشن تولد، کز آن دلم شادست

به صفوف ما بپیوندید چرا که متحدانه می توانیم بسوی دنیایی عاری از هر نوع ستم و خشونت گام برداریم. ما می توانیم پرچمدار رهایی بشریت از نظام ستم و استثمار حاکم بر جهان باشیم.

این روز را به اتحاد همه زنان برای پاره کردن زنجیرهای خشونت علیه زنان بدل کنیم. می رویم تا صدای مبارزات همزمانمان را رساتر به گوش جهانیان برسانیم.

هر قدر زنجیر خشونت جهانی تر شود، مبارزه و مقاومت زنان نیز ابعاد جهانی بیشتری به خود میگیرد. زنان از مبارزات یکدیگر الهام می گیرند و هر گونه پیشروی زنان در هر نقطه ای از جهان را از آن خود می دانند.

اشعار خوانده شده در محفل

که دردل قصه ای ناگفته دارم

کزین سودا دل آشفته دارم

بیا بگشای درهای قفس را

رهاکن دیگرم این یک نفس را

به سر اندیشه پرواز دارم

به حسرتها سرآمد روزگارم

که من باید بگویم راز خود را

طنین آتشین آواز خود را

بسوی آسمان روشن شعر

گلی خواهم شدن در گلشن شعر

مگو ننگ است این شعر تو ننگ است

فضای این قفس تنگ است تنگ است

از این ننگ و گنه پیمانہ ای ده

مرا درقعر دوزخ خانه ای ده

به لب هایم مزین قفل خموشی

زپایم باز کن بندگران را

بیا ای مرد ای موجود خودخواه

اگر عمری به زندانم کشیدی

منم آن مرغ آن مرغی که دیربست

سرودم ناله شد در سینه تنگ

به لبهایم مزین قفل خموشی

به گوش مردم عالم رسانم

بیا بگشای درتا پرکشایم

اگر بگذاریم پرواز کردن

ولی ای مرد ای موجود خودخواه

بر آن شوریده حالان هیچ دانی

مگوشعر تو سرتاپا گنه است

بهشت و حور و آب کوثر از تو

مرا مستی وسکر زندگانی است

کتابی خلوتی شعری سکوتی

که در قلبم بهشتی جاودانی است

چه غم گر در بهشتی ره ندارم

که ننگم لذتی مستانه داده

بدور افگن حدیث نام ای مرد

که شاعر را دل دیوانه داده

مرا میبخشد آن پروردگاری

بسوی آسمان روشن شعر

بیابگشای در تا پرگشایم

گلی خواهم شدن در گلشن شعر

اگر بگذاریم پرواز کردن

به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد

به جویبار که در من جاری بود

به ابر ها که فکر های طویل بودند

به رشد دردناک سپیدار های باغ که بامن

از فصل خشک گذر می کردند

به دست های کلاغان که مزرعه شبانه را برای من به هدیه میاورند

به مادرم که در آینه زندگی میکرد

و شکل پیری من بود

میایم، میایم، میایم

باگیسویم، ادامه بوهای زیر خاک

با چشم هایم: تجربه های غلیظ تاریکی

به بوته ها که چیده ام از بیشه های آنسوی دیوار

میایم، میایم، میایم

و آستانه پر از عشق می شود

و من در آستانه به آنها که دوست میدارند

و دختری که هنوز آنجا ،

در آستانه پر عشق ایستاده، سلامی دوباره خواهم کرد.

ز راه دور می آید صدای غرش و توفان

و می راند ز گرداب جهالت،

به ساحل کشتی بی ناخدا را.

ز راه دور می آید

صدای غرش و توفان

و می پاشد با هر قطره

در جویبار خشک و گرما سوخته گردون

نم نم و باران آزادی

و زنجیر ها همه در انتظار صاعقه

آن نیلگون ابری که رعد آسا

باتنگ جرس در سینه دامان صحرا

مینوازد طبل آزادی

و توفان باهیاهویش

خس و خاشاک را از بین خواهد برد

از آنسو ها می آید صدای

قهر

عصیان

خشم و

نفرت و انزجار ظلم

بهشت عنبرین جامه زر پوشان

و زنجیر های تاریخ مانده بر دست و پاهامان

همه نابود خواهد شد

و چون افسانه ی بر صفحه گیتی

یکی افسانه خواهد ماند.

بینایی

خود را

به صد هزار دشنام

باز خریدم

خود را به صد هزار لعنت

تا بنده ای آزاد باشم

من باستانی

خود را به صد هزار

نگاه ملامت بار بینا یافتم

قتی که داوران

گرفتار تراخمی ابدی بودند

در کوران تنهایی ایستاده ام

با روحی عریان

و جسمی که دچار رخوتی تاریخی است

آری بنده ای آزادم

اما

بر دریاچه های تخیلم

نقش غرایز مرده

در حرکتند

و من در اندیشه ام

تا چگونه به بینایی باز یافته ام عادت کنم

شب داغدار است

آغوشم را بسوی شب می گشایم

شاید که آنسوی پل

چراغی باشد

که آفتابش نامند.

چرا که می خواهم خود را از شرم پنهان کنم
از شرمی کفشی که بر پای دارم

وقتیکه پاهای بسیار برهنه اند.

از شرم لباسی که بتن کرده ام

وقتیکه بسیار پیکرهای استخوانی

از سرما میلرزند.

از شرم لقمه ای که بر دهان میگیرم

وقتیکه شکمهای آن ارواح کوچک لاغر

از گرسنگی بر آمده است.

آغوشم را بسوی شب می گشایم

تا خود را در آن پنهان کنم

و شرم هستی را فراموش

هنگامیکه خون قلبهای جوانتر

بر خاک است

و بسیار مادران نمیدانند

در تسلاي دل داغدار خویش

اشکهای خود را بر خاک ریزند.

شب داغدار است

و ستارگانش از شرم آنچه که بر خاک میگذرد

به آسمانهای دیگر سفر کرده اند

کدام چشم می تواند

راه پیمای این شب تیره باشد

و ستارگان اشک را تجربه نکند؟

با من بگو؟

ای که قامت بر خمیده از شرمم

پیرایه های فاخر می پسندی

با من بگو؟

قطعنامه

دوستان عزیز:

هشتم مارچ که یک روز به یاد ماندنی و جاویدان در تاریخ مبارزات بشر محسوب می شود، هنوز مظهر و فراخوان مبارزه برای احیای ارزش های انسانی است. تضادهایی که مبارزه بر اساس آن مشکل گرفته، در عصر حاضر نیز در سرتاسر جهان به شمول افغانستان حل نشده است. طوریکه میدانید اکنون نیز زنان در سرتاسر جهان و مخصوصاً در افغانستان به اشکال گوناگون تحت ستم اند و از حقوق ابتدایی و اساسی شان محروم اند. دولت کنونی که تحت حمایت نیروهای اشغالگر خارجی قرار دارد در ده سال اخیر کارهای بنیادی را جهت ریشه کن سازی ظلم و ستم و برقراری عدالت اجتماعی انجام نداده است. دولت فعلی و امپریالیست ها نه تنها کاهش دهنده ستم نیستند بلکه عواملی مهمی جهت شدت بخشیدن به این ستم ها اند. کارهای عوام فریبانه آنها هیچگاه سبب بهبود وضعیت زندگی زنان نشده و نخواهد شد.

بنابر این ما برای جمع بندی برنامه علمی کنونی قطعنامه ذیل را ارایه کرده و موارد زیر را برای حل مشکلات زنان مورد توجه قرار میدهیم:

(۱) ما اعمال وحشیانه مثل تجاوز های جنسی، قتل های ناموسی، محاکم های صحرائی را نکوهش کرده و مبارزه جویی را علیه اینگونه اعمال اعلام میداریم.

(۲) ما مصونیت قضایی عاملین خشونت علیه زنان را محکوم کرده و خواهان مجازات آنها جهت برقراری عدالت هستیم.

(۳) ما برنامه های فریب دهنده دولت دست نشانده نیروهای اشغالگر خارجی را برای بهبود وضعیت زنان محکوم میکنیم.

(۴) خروج نیروهای اشغالگر خارجی و کسب استقلال کشور هدف اساسی ما را تشکیل میدهد.

(۵) ایجاد هویت ملی و دولت مردمی را راه حلی برای بحران های موجود میدانیم.

(۶) تفکیک حوزه دین و دولت کاهش دهنده ستم بر زنان است.

(۷) برقراری عدالت اجتماعی رابطه نزدیک به از بین رفتن شوونیزم ملی و جنسیتی دارد.

(۸) ما خواهان از میان برداشته شدن تبعیض های ملی، قومی، مذهبی و جنسی برای بهبود وضعیت زنان نیز هستیم.

(۹) ما خواهان دسترسی زنان به آموزش و دستیابی آنها به استقلال اقتصادی هستیم.

(۱۰) پیش شرط بنیادی آزاد سازی زنان در افغانستان بر اندازی ساختار اقتصادی-اجتماعی مرد سالار است.

(۱۱) ما خواهان برابری کامل مردان و زنان در همه عرصه ها مخصوصاً در عرصه اقتصادی هستیم.

(۱۲) توده ای شدن مبارزات زنان خواسته اساسی ما است به همین سبب ما خواهان بسیج زنان در افغانستان و در سرتاسر جهان هستیم.



برای تماس با نشریه :

Email:

nabardezan@gmail.com

آدرس وبلاگ:

www.nabardezan.persianblog.ir

نشریه نبرد زن از شماست ، امید در جهت
 پربار نمودن هر چه بیشتر نشریه با ما مکاتبه
 نمایید. نظرات، پیشنهادات و انتقادات
 خود را به ایمیل آدرس مکاتباتی فوق ارسال
 نمایید.

صفحه

فهرست مطالب مندرج در این شماره :

عناوین بخش دوم محفل:

- ۳۲ گزارش بخش دوم محفل تجلیلیه هشتم مارچ
- ۳۲ افتتاحیه محفل (نرگس رهیاب)
- ۳۴ تاریخچه هشتم مارچ (آیدا دانش)
- ۳۷ دکلمه (رویا صمیم)
- ۴۰ فراخواندن زنان به دور یک خط انقلابی (مرسل نبرد)
- ۴۲ داستان (افسون پاکزاد)
- ۴۳ سخنرانی (تهمینه وفا)
- ۴۴ سرود هشت مارچ
- ۴۷ وضعیت اسفناک زنان در افغانستان و (ترنم طنین)
- ۴۹ تجلیل شایسته از هشت مارچ روز جهانی زن (حسنا مبارز)
- ۵۰ شعر زنان (صدف پویش)
- ۵۲ دکلمه ای زیبا از جناب آقای یوسفی
- ۵۴ دکلمه زیبا از سپیده اکبرزاده
- ۵۶ قطعنامه محفل

عناوین بخش سوم محفل:

- ۵۸ گزارش بخش سوم محفل تجلیلیه هشتم مارچ
- ۵۸ افتتاحیه
- ۶۰ ستم بر زن در افغانستان
- ۶۲ مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان در افغانستان
- ۶۴ دکلمه
- ۶۵ وضعیت زنان در افغانستان تکان دهنده است
- ۶۸ اشعار خوانده شده در محفل
- ۷۳ قطعنامه دسته هشت مارچ زنان افغانستان